

کودتا چیان احساس ترس و تنهایی می کند

راه حلهای کروی برای خروج از بحران: * اعتراف و توبه ظالمان
* آزادی زندانیان سیاسی و حاکمیت حقوق ملت * ریشه یابی مظالم و خشونت های اخیر
* پرهیز از خشونت: احیای آزادی ها و مبارزه با استبداد



کروبی آمادگی خود را برای مناظره با نماینده حکومت اعلام کرد

محمد خاتمی:

فضای باز و انتخاب مردم

راهکارها در بیانیه اخیر مهندس موسوی هم آمده است

رفسنجانی: راه حل ها را قبلا ارائه کرده ام

بیانیه ۱۷ موسوی: ۵ راه حل برای خروج

تهدید فرماندهی ارتش آمریکا؛ بمباران تاسیسات اتمی ایران

دیلی نیوز: جنگ با ایران؛ نامطلوب اما ممکن

۸ شاهکار موسوی
محسن حیدریان

۸ بازهم بیانیه ۱۷
رضا سیاوشی - امیر حسین
گنج بخش

۱۰ یک هفته پس از بیانیه ۱۷
فرخ نگهدار

ناشر



موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری
هوشنگ اسدی / فریبرز بقانی
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:
شهرلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه
هزار و سیصد و هشتاد و هشت



راه‌های کربوبی برای خروج از بحران

بیانیه مهدی کربوبی در باره حوادث اخیر به شرح زیر انتشار یافت:

ملت آزاده و عزادار ایران

آنچه در عاشورای حسینی بر این ملک و دیار رفت، مایه نگرانی و آزرده‌گی هر انسان آزاده و مسلمانی بود؛ آنچه از خشونت عریان به چشم دیدیم و آن کشتار بیرحمانه چیزی نبود که بتوان از کنار آن به راحتی گذشت. خشونت برخی نیروهای محافظ امنیت و ارزان شدن جان آرمیزاد بدانجا رسیده است که در ظهر عاشورا در جمهوری اسلامی ایران با خودرو انتظامی، مردم زیر گرفته می‌شوند و از بلندی پرتاب می‌گردند و سینه آنها را هدف گلوله قرار می‌دهند؛ لابد به آن دلیل که از رای خود پرسیده و صدایی برای حق خواهی بوده اند. و با این حال زبان‌ها را بسته می‌خواهند تا صدای دلخراش این جنایت به گوش‌ها نرسد. گویی که خدا ناظر بر این رفتارها نبوده است و آنچه بر عزاداران حسینی رفته را ندیده است. و گیریم که همگان را با ارعاب و تهدید به سکوت وادارند اما با فیلمها و تصاویری که جان دادن شیعیان حسینی در روز عاشورا را به تصویر می‌کشند و تصویری که به نام جمهوری اسلامی برای آیندگان به یادگار خواهد ماند چه می‌توان کرد؟ به راستی که بر این ماتم باید گریست.

حوادث بازداشتگاهها و ماجرای کهریزک و خشونت به زنان و دستگیری‌های فله‌ای و دادگاههای فرمایشی و ارعاب‌نوریزه شده کم بود که دست آقایان به خون مردم در روز عاشورای حسینی نیز آغشته شد. طنز ماجرا اما آنجاست که طلبکار هم می‌شوند. دست‌پیش می‌گیرند مبادا که پس بیافتند. شب عاشورا به حسینیه جماران پورش می‌برند و با این حال از شکسته شدن حرمت امام و عاشورا نیز سخن می‌گویند. با چاقو و قمه به جان مردم در تهران و مشهد می‌افتند و بعد حکم محاربه برای دیگران صادر می‌کنند. موجب بگیران را به جان مردم می‌اندازند و مردم را فریب خورده و مزدور اجنبی می‌خوانند. منتقدان خود را منافق می‌نامند و کسی را روانه زندان می‌کنند که پدرش شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی، قربانی منافقین بوده است. او را بازداشت می‌کنند آن هم در دانشگاه و در سر کلاس درس. البته آقایان حرمتی نیز برای دانشجو و دانشگاه باقی نگذاشته‌اند و دانشگاه را پادگان کرده‌اند. دیدیم که چگونه در شانزدهم آذر ماه به دانشگاه قشون کشی کردند و دانشجویان را روانه زندان ساختند.

مردم ایران چه شیعه و چه سنی همواره احترامی خاص برای اهل بیت و مراسم مذهبی در ایران قائل بوده و هستند. آنچنانکه مسیحیان نیز در عاشورای حسینی نذر و نیاز خود را ادا می‌کنند و بی‌حرمتی به عاشورا در مملکت ما امری بی‌سابقه بوده است. البته شکستن حرمت عاشورا اگر از کسی سرزده باشد نیز محکوم است و پرواضح است که ارتکاب چنین اتهامی باید در دادگاه صالح رسیدگی و مطابق قوانین کشور مرتکبین مجازات گردند. اما آقایان به عینه حرمت عاشورا را شکسته‌اند و با این حال مردمی چنین جنیب را به شکستن حرمت عاشورا متهم می‌کنند؛ انگار ندیده‌اند که شهیدان ما در عاشورای امسال لباس سیاه بر تن داشتند. گناهی را با نگاه دیگر می‌شویند و یک دروغ را با دروغ دیگر تکمیل می‌کنند. گویا برای هدفی مقصد می‌توان دروغ را بر دروغ انباشت. آقایان از اندیشه ماکیاوولی تنها همان جمله را خوب آموخته‌اند که هدف وسیله را توجیه می‌کند. دروغ می‌گویند اما تا به کی؟

همه اینها را انجام می‌دهند و جالب است که آنقدر احساس ترس و تنهایی می‌کنند که علما و چهره‌ها را در تنگنا قرار می‌دهند تا بیایند و با مظالم‌شان همراه شوند. امامان جمعه را بسیج می‌کنند تا در حرکتی هماهنگ به میدان بیایند و منتقد معترض را محارب بخوانند و راه را برای یک سناریوی از پیش طراحی شده دیگر بگشایند. معنای

همه چیز وارونه شده بود که محارب نیز بر آن افزوده شد. نمی‌دانستیم که طلب کردن رای خود و اعتراض به دزدی سیاسی نیز از نگاه آقایان مساوی با محاربه و مصداق مفسد فی الارض است. تقسیم مردم به شهروند درجه یک و دو و خس و خاشاک کم بود که مردم را بزغاله و گوساله نیز نامیدند. مرحبا به این جسارت و بی‌پروایی!

خدایا تو شاهد باش که برای چهار روز حکومت چه آبرویی از اسلام و انقلاب بردند و چه ارزان موجبات نفر مردم از روحانیت را فراهم کردند. خدایا تو شاهد باش که چگونه یک جدال سیاسی را به یک جنگ مذهبی تبدیل کردند تا بتوانند به نام دین، حق خواهی سیاسی مردم را سرکوب کنند. کار ما بدانجا رسیده است که یک گروه سیاسی به نام جامعه مدرسین اطلاعیه می‌دهد و یک مرجع عالیقدر، آیت‌الله العظمی یوسف صانعی را از مرجعیت سلب می‌کند. جامعه مدرسین فعلی گویا تصور می‌کند از همان جایگاهی رفیعی برخوردار است که جامعه مدرسین پیش از انقلاب و در ابتدای انقلاب برخوردار بود. برخی از اعضای تازه به دوران رسیده جامعه مدرسین در غیاب اساتید گرانقدر بر این خیال خام‌اند که یک مرجع را با یک اطلاعیه می‌توان از مرجعیت به در کرد. در حکومت اسلامی به مسجد و منزل و مدرسه عالم مجاهد آیت‌الله علی محمد دستغیب به خاطر اظهار نظری حمله ور میشوند و مردم را با توسل به زور از مسجد بیرون و خانه خدا را پلمب می‌کنند. به نام مذهب، حکومت می‌کنند و با این حال چنین آبرو از مذهب می‌برند.

در این آشفته بازار اگر چهره‌ای همچون جناب آقای میرحسین موسوی نیز نجیبانه پیشنهادهایی را برای عبور از بحران پیشنهاد می‌کند پاسخ او هتاک و توهین‌هایی است که از هر سو سرازیر می‌شود. گویی برخی از دست اندرکاران امور نه تنها تمایلی به آرامش ندارند که نان خود را در تنور بحران و آشوب و سرکوب می‌بینند و راه توفیق خود در قدرت را صرفاً با وجود چنین شرایطی گشوده می‌یابند و بحران را با بحرانی دیگر پیوند می‌زنند. حال آنکه خروج از بحران در گرو اجرای کلیه اصول قانون اساسی است؛ امری که شرط اساسی آن استقلال قوه قضائیه و اجتناب از سیاست در امر قضاوت است؛ همچنان که امام بزرگوار نیز فرمودند: "قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل و هیچ مقامی حق دخالت در آن را ندارد" و "قضات نیز نباید گوش به هیچ کس بدهند". ما کجا و توصیه حضرت امام کجا!

آری، عده‌ای بر این گمان‌اند که با بستن تمام روزنه‌های اصلاح و دربند کردن تمام اصلاح‌طلبان، چراغ اطلاع طلبی خاموش خواهد شد و پرچم مبارزه با دروغ و فریب بر زمین خواهد افتاد. من اما شهادت می‌دهم که ارعابها و تهدیدهای روزافزون، نه تنها مرا در پیموندن مسیری که در پیش گرفته‌ام سست‌تر نکرده که راسخ‌تر کرده است و به واسطه ایمانی که به راه خویش دارم خود و فرزندانم را آماده هر گونه مصیبتی نیز ساخته‌ام. به نظر اینجانب خروج از بحران دامنگیر فعلی توجیه به موارد ذیل خواهد بود:

۱- اعتراف و توبه ظالمان و بخشش مردم: آنانی که مسبب مظالم عاشورای حسینی و حوادث پس از انتخابات بوده‌اند باید توبه کنند نه آنهایی که برای احقاق رای خود شهید داده‌اند. آنهایی باید توبه کنند که چوب حراج بر ثروت ملی کشور زده‌اند و از کیسه مردم حاتم بخشی کرده‌اند و مردم را در فقر و تنگدستی رها کرده‌اند. آنهایی باید توبه کنند که افراد بی‌صلاحیت را تأیید صلاحیت کردند و افراد واجد صلاحیت را رد و مردم را از حق انتخاب کردن محروم ساختند و برای تغییر رای مردم جواز صادر کردند و اعتراض مردم را با گلوله سرکوب نمودند. آنهایی باید توبه کنند که دانشجویان را از تحصیل محروم کردند و بی‌دانشان را بر صدر نشانند. توبه ظالمان اولین راه بازگشت آرامش به کشور و تسکین دل‌های داغیده است. مردم ایران اهل زیاده‌خواهی نیستند. توبه کنندگان را که به گناه خود اعتراف کنند خواهند بخشید اگر چه ظلم آنها را فراموش نخواهند کرد. نه کسی به دنبال انتقام است و نه انتقام‌گیری درمانی بر ظلمهای رفته بر مردم خواهد بود.

۲- انحرافی که از انقلاب ایران صورت گرفته باید اصلاح

شود. انقلاب را بی‌شک صاحبان قدرت منحرف کرده‌اند و نمی‌توان بار این انحراف را بر دوش مردم گذاشت. اصلاح این انحراف نیز تنها در گرو اجرای قانون اساسی و کنوانسیون‌های بین‌المللی است که ما آنها را امضا کرده‌ایم و به اجرای آنها متعهدیم. آزادی مطبوعات و به رسمیت شناختن فضای نقد و نقادی، آزادی زندانیان سیاسی و حاکمیت حقوق ملت حرکت در مسیر اصلاحی است. نمی‌توان افراد را به صورت فله‌ای بازداشت و محاکمه کرد و بدون وکیل و هیات منصفه و به صورت غیرعلنی و در فضایی امنیتی و بدون رعایت اصول آیین دادرسی هر اتهامی را بر آنها بار کرد و با این حال دم از انقلاب و جمهوری و اسلامیت نیز زد. انقلاب ما به انحراف رفته است و این انحراف تنها با به رسمیت شناختن آزادیهای مطرح در قانون اساسی اصلاح خواهد شد.

۳- پرهیز از خشونت: احیای آزادی‌ها و مبارزه با استبداد را تنها با ابزار اصلاحات می‌توان پیش برد. ما معتقد به اصل ولایت فقیه و جمهوری اسلامی متکی بر آرای ۹۸ درصدی هستیم که جمهوری اسلامی‌ای که ارزشی برای رای مردم قائل نیست. برای اساس ما معتقد به اصلاحات و مبارزه غیر خشونت‌آمیز برای بازگرداندن قطار انقلاب به ریلی هستیم که از آن خارج شده است. برای پیش برد مبارزه‌ای مسالمت‌آمیز نباید به دامان خشونت افتاد. اگرچه من اطمینان دارم که برخی از دست‌اندرکاران امور از افزایش خشونت استقبال می‌کنند چه آنکه آنها تنها در فضایی آکنده از خشونت است که می‌توانند راه را برای سرکوب بگشایند. از اینرو پرهیز از خشونت اصلی اساسی در حق خواهی اصلاح طلبانه ما بوده است و خواهد بود.

۴- ریشه‌یابی و علت‌یابی حوادث اخیر: دستگاههای امنیتی بهتر است که به جای پروژه‌های نخ‌نما شده و اعتراف‌گیری‌های بی‌حاصل به دنبال ریشه‌یابی اتفاقات باشند؛ به فرض که مردم معترض رفتاری تندتر از انتظار نیز در روز عاشورا از خود نشان داده باشند باید به سراغ علت‌ها رفت نه نتیجه. کلام خداست که "فریاد توم با تندی را دوست ندارد مگر آنکه فریاد مظلوم باشد".

اگر خشونت از سوی برخی از مردم سرزده است باید دید که چه برخوردی با آن جمعیت میلیونی در بیست و پنجم خرداد که تنها شعارشان سکوت بود صورت گرفت که آنها چنین تغییر مشی داده‌اند؟ آیا اگر خشونت از سوی برخی معترضین صورت گرفته باشد نتیجه خشونت برهنه و ظلمی نیست که بر آنها روا شده است؟ دستگاههای امنیتی به جای آنکه در توجیه حوادث و سناریوی ذهنی خود بر دایره بازداشت‌ها بیافزایند بهتر آن است که ریشه این مظالم و خشونت‌ها را شناسایی کنند؛ که از دیدگاه اینجانب ریشه این اتفاقات و مظالم و عصبانیت مردم نیز به انتخابات ریاست جمهوری ۸۴ بر می‌گردد؛ انتخاباتی که نقطه آغازی در نادیده گرفتن رای و حق مردم بود.

۵- من مهدی کربوبی آمادگی خود را برای مناظره با هر نماینده‌ای از سوی حکومت اعلام می‌کنم تا مشخص شود که این انقلاب را چه کسانی به انحراف بردند و مسئول مظالم رفته بر مردم چه افراد و گروه‌هایی هستند. ما را منافق و فتنه‌جوی و وابسته به دولتهای غاصب و سلطه‌جو خوانده‌اند. شیوه ما البته این نیست که مخالف خود را منافق و ضدانقلاب و برگشته از اسلام بخوانیم. اما تنها یک مناظره واقعی که مردم نظاره‌گر مستقیم آن باشند روشن خواهد ساخت چه کسی با حق است و چه کسی بر حق؛ چه کسانی از منافع ملی، عزت و سربلندی مردم بزرگ ایران و آرمان‌های امام فاصله گرفته و چه کسانی هنوز بر آن آرمان‌ها پایبند هستند. در این میان داوران اصلی مردم خواهند بود و چه داوری بهتر از مردم.

مهدی کربوبی ۲۱ دی ماه ۱۳۸۸



گزارش رادیو فردا :

کروبی: راه خروج از بحران، اجرای قانون اساسی و استقلال قوه قضاییه

مهدی کروبی در نامه‌ای که روز دوشنبه منتشر شد ضمن اعلام آمادگی خود برای «هر گونه مصیبتی» «راه خروج از بحران فعلی ایران را» «اجرای کلیه اصول قانون اساسی و» «استقلال قوه قضاییه» دانست.

آقای کروبی که در کنار میرحسین موسوی، پیروزی محمود احمدی‌نژاد را در انتخابات ریاست جمهوری به رسمیت نشناخته است در این نامه که در وبسایت سحام‌نیوز، سایت رسمی حزب اعتماد ملی، منتشر شده همچنین خواستار آزادی مطبوعات و همین‌طور آزادی زندانیان سیاسی در ایران شده است.

او ضمن اشاره به این که «انقلاب را بی‌شک صاحبان قدرت منحرف کرده‌اند» «راه اصلاح این انحراف را» «اجرای قانون اساسی و کنوانسیون‌های بین‌المللی... آزادی مطبوعات و به رسمیت شناختن فضای نقد و انتقادی، آزادی زندانیان سیاسی و حاکمیت حقوق ملت» دانسته است.

مهدی کروبی، بنیان‌گذار حزب اعتماد ملی و رئیس سابق مجلس شورای اسلامی، در این نامه با اشاره به **حوادث روز عاشورا** در تهران و شهرستان‌ها می‌گوید: «ماجرای کهریزک و خشونت به زنان، دستگیری‌های فله‌ای و دادگاه‌های فرمایشی و ارعاب‌توریز شده کم بود که دست آقایان به خون مردم در روز عاشورا نیز آغشته شد.»

در درگیری‌های روز عاشورا در تهران که اغلب خبرگزاری‌ها از آن به عنوان «خونین‌ترین و شدیدترین مواجهه نیروهای امنیتی ایران با مردم» یاد کردند هشت نفر جان خود را از دست دادند، صدها نفر مجروح و زخمی شدند و بیش از ۳۰۰ نفر توسط نیروهای امنیتی و پلیس جمهوری روانه زندان‌ها شدند.

آقای کروبی در این نامه می‌گوید: «آقایان به عینة حرمت عاشورا را شکسته‌اند و با این حال مردمی چنین نجیب را به شکستن حرمت عاشورا متهم می‌کنند.»

بلافاصله پس از حوادث عاشورا در تهران و چند شهر بزرگ دیگر ایران، حامیان دولت محمود احمدی‌نژاد مخالفان دولت را به «حرمت‌شکنی عاشورا و امام حسین» متهم کرده و آنها را «محراب» خواندند. حکم محاربه در قوانین مجازات اسلامی ایران اعدام است.

مهدی کروبی در جدیدترین نامه خود ضمن آن که یکی از راه‌های خروج از بحران فعلی در ایران را «پرهیز از خشونت» دانسته از مقامات جمهوری اسلامی خواسته است که به دنبال «ریشه‌یابی حوادث اخیر» باشند.

او می‌گوید: «دستگاه‌های امنیتی بهتر است که به جای پروژه‌های نغمه‌شده و اعتراض‌گیری‌های بی‌حاصل به دنبال ریشه‌یابی اتفاقات باشند.»

آقای کروبی در نامه خود ضمن این که برای «مناظره با هر نماینده‌ای از سوی حکومت» «براز آمادگی کرده می‌گوید که» «ارعاب‌ها و تهدیدهای روزافزون» «بر او بی‌اثر است و» «به‌واسطه ایمانی که به راه خویش دارم خود و فرزندانم را آماده هر گونه مصیبتی نیز ساخته‌ام.»

میرحسین موسوی نیز در بیانیه شماره ۱۷ خود که ده روز پیش منتشر شد ضمن پیشنهاد ۵ راه حل برای خروج از وضع موجود گفته بود که تا مقامات جمهوری اسلامی وجود «بحران جدی» «در کشور را به رسمیت نشناسند،» «راهی برای خروج از مشکلات و مسائل پیدا نخواهد شد.»

آقای موسوی نیز در بیانیه خود همچنین صراحتاً گفته بود که «فرمان اعدام و قتل و زندانی کروبی و موسوی و امثال ما مشکل را حل نخواهد کرد.»

گزارش بی بی سی

کروبی «راهکارهای خروج از بحران» را پیشنهاد کرد

مهدی کروبی، دبیرکل حزب اعتماد ملی و از رهبران اصلاح طلب مخالف دولت، در نامه‌ای به ملت ایران راهکارهایی را برای خروج کشور از بحران سیاسی کنونی مطرح کرده است.

روز دوشنبه، ۱۱ ژانویه (۲۱ دی)، سایت سحام نیوز، متعلق به حزب اعتماد ملی، متن بیانیه مهدی کروبی، دبیرکل این حزب، حاوی پیشنهادهایی برای حل مسایل سیاسی جمهوری اسلامی را منتشر کرد که در مقدمه آن از حوادث روز عاشورا در ایران به شدت انتقاد شده و در اشاره به نحوه برخورد نیروهای امنیتی با تظاهرکنندگان، آمده است که «آنچه از خشونت عریان به چشم دیدیم و آن کشتار بیرحمانه چیزی نبود که بتوان از کنار آن به راحتی گذشت.»

آقای کروبی در ادامه می‌نویسد که «خشونت برخی نیروهای حافظ امنیت و ارزان شدن جان آدمیزاد بدانجا رسید که در ظهر عاشورا، در جمهوری اسلامی ایران، با خودرو انتظامی، مردم زیر گرفته می‌شوند و از بلندی پرتاب می‌گردند و سینه آنها را هدف گلوله قرار می‌دهند، لایب به آن دلیل که از رای خود پرسیده و صدایی برای حق خواهی بوده اند» و مراجع دولتی را به تلاش برای جلوگیری از انعکاس اخبار این وقایع متهم کرده و می‌افزاید «گیریم که همگان را با ارعاب و تهدید به سکوت وادارند، با فیلم‌ها و تصاویری که جان دادن شیعیان حسینی در روز عاشورا را به تصویر می‌کشند و تصویری که به نام جمهوری اسلامی برای آیندگان به یادگار خواهد ماند چه می‌توان کرد؟»

دبیرکل حزب اعتماد ملی همچنین به حوادث بعد از انتخابات در بازداشتگاه‌ها و برخورد خشونت آمیز مأموران با زنان و «دستگیری‌های فله‌ای و دادگاه‌های فرمایشی» اشاره می‌کند و می‌نویسد که اینک «دست آقایان به خون مردم در روز عاشورا حسینی هم آغشته شد.»

آقای کروبی می‌نویسد که کسانی که شب عاشورا به حسینیه جماران یورش بردند، با چاقو و قمه به مردم در تهران و مشهد حمله کردند، برای دیگران حکم محاربه صادر می‌کنند و مردم را فریب خورده و مزدور اجنبی می‌خوانند و بعد، «از شکسته شدن حرمت امام و عاشورا نیز سخن می‌گویند.»

گیریم که همگان را با ارعاب و تهدید به سکوت وادارند، با فیلم‌ها و تصاویری که جان دادن شیعیان حسینی در روز عاشورا را به تصویر می‌کشند و تصویری که به نام جمهوری اسلامی برای آیندگان به یادگار خواهد ماند چه می‌توان کرد؟

مهدی کروبی با متهم ساختن برخی طرفداران دولت به پیروی از اندیشه‌های ماکیاولیستی، تاکید می‌کند که اکثر مردم ایران، حتی پیروان سایر ادیان، برای عاشورا احترام قایل هستند و بی‌حرمتی به عاشورا در این کشور بی‌سابقه است و با اشاره به کسانی که در روز عاشورا سال جاری شکسته شدند می‌نویسد «اما آقایان به عینة حرمت عاشورا را شکسته‌اند و با این حال مردمی چنین نجیب را به شکستن حرمت عاشورا متهم می‌کنند، انگار ندیده‌اند که شهیدان ما در عاشورا ایستادگی و ایستادگی برتن داشتند.»

این رهبر مخالفان دولت در ادامه نامه خود در مورد دست اندرکاران اینگونه اقدامات و رویکرد آنان پس از حوادث عاشورا می‌نویسد که «جالب است که انقدر احساس ترس و تنهایی می‌کنند که علما و چهره‌ها را در تنگنا قرار می‌دهند تا بیایند و با مظالمشان همراه شوند، امامان جمعه را بسپح می‌کنند تا در حرکتی هماهنگ به میدان بیایند و منتقد معترض را محارب بخوانند» و می‌افزاید که «خس و خاشاک کم بود، که مردم را بزغال و گوساله نیز نامیدند.»

پیشنهاد‌های خروج از بحران

آقای کروبی مرتکبین این اقدامات را متهم می‌کند که «برای چهار روز حکومت، چه آبرویی از اسلام و انقلاب بردند و چه ارزان موجبات تنفر مردم از روحانیت را فراهم کردند» و با اشاره به اطلاعیه جامعه مدرسین قم در مورد عدم صلاحیت آیت الله یوسف صانعی برای مرجعیت، این نهاد را یک تشکل سیاسی می‌خواند و می‌گوید برخلاف جامعه مدرسین در پیش از انقلاب و اوایل انقلاب، جامعه مدرسین در حال حاضر از اعتباری برخوردار نیست تا با یک اطلاعیه بتواند مرجعی را از مرجعیت برکنار کند.

مهدی کروبی سپس پیشنهاد میرحسین موسوی برای حل بحران کنونی و رویکرد «نجیبانه» او را یادآور می‌شود و با اشاره به واکنش‌های خصمانه و «توهین و هتاک» در واکنش به انتشار بیانیه اخیر آقای موسوی، می‌نویسد که به نظر می‌رسد برخی دست اندرکاران تمایلی به آرامش ندارند در حالیکه خروج از بحران کنونی در گرو اجرای قانون اساسی، به خصوص استقلال قوه قضاییه و اجتناب از سیاست در امر قضاوت است که در حال حاضر، محقق نیست.

به گفته آقای کروبی، «عده‌ای بر این گمان اند که با بستن تمام روزه‌های اصلاح و دربند کردن تمام اصلاح طلبان، چراغ اصلاح طلبی خاموش خواهد شد و پرچم مبارزه با دروغ و فریب به زمین خواهد افتاد اما من شهادت می‌دهم که ارعاب‌ها و تهدیدهای روز افزون نه تنها مرا در پیامون مسیری که در پیش گرفته‌ام سست تر نکرده که اسخ تر کرده و به واسطه ایمانی که به راه خویش دارم، خود و فرزندانم را آماده هرگونه مصیبتی نیز ساخته‌ام.»

دبیرکل حزب اعتماد ملی سپس پیشنهاد‌های خود برای حل بحران سیاسی کنونی را در پنج ماده ارائه می‌دهد.

نخستین پیشنهاد آقای کروبی تحت عنوان «اعتراف و توبه ظالمان و بخشش مردم» مطرح شده که در آن، ظاهراً در اشاره‌ای تالیفی به اظهارات برخی مقامات حکومتی در مورد لزوم توبه مخالفان و منتقدان دولت، می‌نویسد که کسانی باید توبه کنند که «مسبب مظالم عاشورای حسینی و حوادث بعد از انتخابات بوده‌اند... نه آنهایی که برای احقاق حق خود شهید داده‌اند.»

مهدی کروبی در ادامه همین بند به کسانی توصیه به توبه می‌کند که، به گفته وی، چوب حراج بر ثروت ملی کشور زده‌اند و از کیسه مردم حاتم بخشی کرده و مردم را در فقر و تنگدستی رها کرده‌اند، کسانی که افراد بی‌صلاحیت را تایید صلاحیت کرده و با رد صلاحیت افراد واجد صلاحیت، مردم را از حق انتخاب محروم ساخته‌اند و برای تغییر رای مردم جواز صادر و اعتراض مردم را با گلوله سرکوب کرده و دانشجویان را از ادامه تحصیل محروم ساخته‌اند.

آقای کروبی در این بند می‌نویسد که «توبه ظالمان اولین راه بازگشت آرماتش به کشور و تسکین دل‌های داغیده است» و اظهار می‌دارد که مردم ایران، اگر هم قادر نباشند ظلم ظالمان را به فراموشی بسپارند، آماده‌اند توبه کنندگان را ببخشند.

انحراف از انقلاب

دومین پیشنهاد آقای کروبی شامل اصلاح انحرافات است که، به گفته وی، به دست صاحبان قدرت در انقلاب ایران صورت گرفته و صاحبان قدرت، و نه مردم، مسئول آن بوده‌اند و برای این منظور، وی عمل به قانون اساسی و کنوانسیون‌های بین‌المللی که ایران امضا کرده، رعایت آزادی مطبوعات، آزادی زندانیان سیاسی و حاکمیت حقوق ملت را لازم می‌داند.

من شهادت می‌دهم که ارعاب‌ها و تهدیدهای روز افزون نه تنها مرا در پیامون مسیری که در پیش گرفته‌ام سست تر نکرده که راسخ تر کرده و به واسطه ایمانی که به راه خویش دارم، خود و فرزندانم را آماده هرگونه مصیبتی نیز ساخته‌ام.

مهدی کروبی سپس پیشنهادی را تحت عنوان «پرهیز از خشونت، احیای آزادی‌ها و مبارزه با استبداد» مطرح می‌کند و می‌نویسد که پیشرفت در این زمینه‌ها «تنها با ابزار



صیانت کردن از رای مردم؛ اینها امور مهم و اساسی است.»

رئیس جمهور سابق کشورمان خاطر نشان کرد: «حالا بر فرض کسی و جریانی و گروه کوچکی، غلطی کرده و خلافی گفته و ساختار شکنی کرده، آیا منصفانه است بهترین دوستداران اسلام، انقلاب و مردم و امام متهم شوند که اینها ضد اسلام و ضد نظامند؟»

وی با بیان اینکه «بعضی تفکرات وجود دارد که می‌خواهند همه امکانات را بدست بگیرند»، افزود: «ما اعتراض داریم؛ می‌گوییم چرا به معیارهای قانونی و ارزشی کم لطفی می‌شود؟»

رئیس بنیاد باران بار دیگر با تأکید بر اینکه «باید ببینیم که در کشور بحران وجود دارد»، اظهار داشت: «البته من بحرانی که آثار آن نهفته است را می‌بینم و خدای ناخواسته اگر این فضا تداوم پیدا کند و با آن بحران برخورد نشود، می‌تواند خیلی مشکل‌ساز باشد، بحران اقتصادی و بحران مدیریتی در جامعه ماست که این امر الان تا حدودی مخفی مانده است.»

وی سپس به وضعیت حاکم بر کشور در حوزه‌های مختلف اشاره کرد و گفت: «ببینید وضع تولید چگونه است؟ وضع اشتغال چگونه است؟ وضع عدالت اجتماعی و فاصله بین فقیر و غنی چگونه است؟ وضع ذخائر و سرمایه‌های اصلی مملکت چگونه است؟ وضع نفت و روابط بین الملل ما چگونه است؟»

خاتمی یادآور شد: «ممکن است کسانی که زمامدار امور هستند حسن نیت داشته باشند، ولی توجه به این امور مساله مهمی است؛ روز به روز گرانی بیشتر می‌شود، از سوی دیگر دور شدن از همه سیاست‌های کلی کشور و چشم انداز بیست ساله کشور و بی‌اعتنایی به قانون اساسی بحرانی است که کم‌کم آثار آن ظاهر می‌شود و من برای کل ایران و سرنوشت تک تک افراد مملکت نگرانم.»

رئیس‌جمهور سابق کشورمان با تأکید بر اینکه «معتمد همه بزرگان مملکت خیر کشور و نظام را می‌خواهند» نسبت به برخوردهای صورت گرفته در ماه‌های اخیر انتقاد کرد.

وی سپس در توضیح چرایی اتفاقات تلخ رخ داده در ماه‌های اخیر گفت: «دو جریان ناشان در تشدید خشونت است؛ یک جریان افراطی که می‌خواهد بگوید من همه چیز انقلاب و همه باید حذف شوند و همه امکانات را می‌خواهد در دست بگیرد و از طرف دیگر جریانی که اصل جمهوری اسلامی را نمی‌خواهد.»

خاتمی ادامه داد: «از بعضی تحلیل‌ها و اقعاً پشت آدم می‌لرزد، از طرفی مردم را تشویق می‌کنند که به صحنه بیایند و شعارها ساختار شکن بدهند و از طرف دیگر می‌گویند یک قدم عقب‌نشینی حکومت و قدرت یعنی سرنوشتی است؛ و این یعنی تشویق طرفین به برخوردهای خشن و افزایش التهاب و نا امنی. این کافی است برای همه دلسوزان که فکر کنیم به کجا می‌رویم؟»

رئیس بنیاد باران تأکید کرد: «هر حرکت ساختار شکنانه و خلاف قانون و گفتن حرف‌هایی که از ما نیست، محکوم و مطرود است و بنده هم معتقد نیستم که این حرکت‌ها خیلی وسیع است گرچه عده‌ای آن را بزرگنمایی می‌کنند.»

وی با بیان اینکه افراط به نام حکومت سم مهلک است، اظهار داشت: «پیش و بعد از عاشورا، تعبیرها، تحریکات و حرکتی که علیه مراجع، حوزه‌ها و شخصیت‌ها صورت گرفت، نه تنها اهانت‌های لفظی و تبلیغاتی علیه آنها شد که هر نسبتی خواستند به محبوبترین چهره‌های جامعه و خالص‌ترین افراد دادند، حتی عملاً وارد عرصه شدند.»

خاتمی یادآور شد: «بنده شهادت می‌دهم شب عاشورا در جماران شعار ساختار شکنانه وجود نداشت، اما وقتی ریختند و زندن ممکن است چند جوان هم شعار تند داده باشند.»

رئیس‌جمهور سابق کشورمان با تأکید بر اینکه «این خشونت‌هاست که مساله را به بن‌بست می‌رساند»، اظهار داشت: «امروز دلسوزان کشور که اعلام هم کرده اند با اصلاح‌طلبان نیستند ولی خیر خواهند؛ یک کلمه برای برون رفت از بحران می‌گویند مورد تهاجم و حمله شدید نیروهایی که نمی‌دانیم کی هستند و همه ارکان نظام را

وی ضمن بزرگداشت خاطره ۱۹ دی ۱۳۵۶ که یکی از فرزان‌های اوج گیری انقلاب به رهبری حضرت امام بود گفت: «ما انقلاب بزرگی داشتیم که از دل آن نظامی به نام جمهوری اسلامی درآمد که مورد قبول ما بوده و به آن افتخار کرده و می‌کنیم و شعار اصلی ما هم این بوده؛ هست و خواهد بود که "استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی"؛ هیچ چیز دیگر هم شعار ما و اکثریت قاطع مردم نیست.»

رئیس دولت اصلاحات با تأکید بر اینکه «هر شعار دیگری شعار انحرافی است»، اظهار داشت: «شعار اصلی "استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی" است با همه لوازمی که دارد؛ یعنی صدمیت با استبداد؛ صدمت با بیگانه و نیز طرفداری از عدالت و اخلاق در جامعه؛ یعنی هم حاکمیت مردم بر سرنوشتشان و هم حاکمیت معیارها و ارزشهای اسلامی.»

وی تصریح کرد: «البته ما معتقدیم به آن صورتیکه امام خمینی (ره) بیان کرد که اسلام را طوری مطرح کنیم که بتواند مشکلات امروز را حل کند به خصوص اینکه در عرصه حکومت دو عامل اصلی عدالت و اخلاق نهادینه شود.»

رئیس بنیاد باران ادامه داد: «وقتی می‌گوییم جمهوری اسلامی یعنی مردم محور و مدارند، اصلاً نفس جمهوری و مردم سالاری یعنی پذیرش "غیر" در استبداد مدار و محور "من" است و "غیر از من" یا باید تسلیم شود و یا حذف، این محتوای معنوی استبداد در طول تاریخ است.»

خاتمی شرط و گام اول مردم سالاری را «پذیرش غیر»، عنوان کرد و افزود: «غیری که با من تفاوت و اختلاف نظر دارد و او را به رسمیت شناختن و با هم کار کردن؛ نه اینکه دیگری را دفع کردن! و این امر یک فرهنگ می‌خواهد و نیازمند فرهنگ‌سازی است.»

رئیس‌جمهور سابق کشورمان گفت: «نباید اینطور تعبیر شود که اساس نظام تنها یک جریان و یک فکر است و آن هم عین حق است و ما دیگران باید تسلیم شوند و یا نابود و این امر خطرناکی است.»

رئیس موسسه بین‌المللی گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها با تأکید بر اینکه در فرهنگ‌سازی «پذیرش "غیر" برای مردم و قومی که تاریخ استبداد زده دارند» بزرگترین نقش بر عهده حکومت است، اظهار داشت: «حکومت باید پیش‌تاز شود که به آن انتقاد شود و انتقاد برای مردم ایجاد هزینه نکند، اگر این کار انجام شود کم‌کم در جامعه فرهنگ‌سازی لازم صورت می‌گیرد.»

خاتمی با بیان اینکه آنچه در این موقعیت مشکل را بیشتر می‌کند افراط گرایی است، افزود: «افراطگرایی و ساختار شکنی برای همه بد است؛ همه باید آنرا محکوم کنند حتی اگر چند نفر شعار ساختار شکنانه بدهند این باید محکوم شود.»

رئیس‌جمهور سابق کشورمان تصریح کرد: «ما بارها گفته‌ایم این غلط است ولی چه کار کنیم ابزار تبلیغاتی یک جانبه دست رقیب است که شب را روز جلوه می‌دهد؛ هر چقدر هم بگوییم کسی صدای ما را نمی‌شنود.»

رئیس بنیاد باران ادامه داد: «موضع ما مشخص بوده و هست؛ اسلام، انقلاب و جمهوری اسلامی.»

سیدمحمد خاتمی یادآور شد: «اصلاً مگر تمام فریاد و ادعای ما این نبود که قانون اساسی که چارچوب نظام و خون بهای مردم است باید در جامعه پیاده شود؛ قانون اساسی با همه لوازم و ضوابطش؛ نه بخشی از آن. هم اصل ولایت فقیه که در قانون اساسی است مورد قبول و احترام ماست و هم فصل سوم قانون اساسی که در باب حقوق ملت است.»

وی افزود: «این قانون اساسی باید درست پیاده شود. تفسیرهای دل به خواهی از آن نشود. در اجرای آن مشکل ایجاد نشود همه اینها گفته شده؛ الان هم می‌گوییم باز هم خواهیم گفت.»

خاتمی تصریح کرد: «اینکه ما از رای مردم و انتخابات آزاد صحبت می‌کنیم برای این است که فضای آزادی باشد، مردم هم انتخاب کنند، هر چه انتخاب مردم باشد باید به آن احترام گذاشت ولی فضا باید فضای باز باشد؛ تسلاوی زمینه و امکانات برای عرضه اندیشه و فکرها باشد و بعد هم

اصلاحات" امکانپذیر است.

آقای کروبی در اشاره ای تلویحی به همه پرس‌های فروردین سال 1358 و تاسیس جمهوری اسلامی، می‌نویسد که "ما معتقد به اصل ولایت فقیه و جمهوری اسلامی متکی بر رای 98 درصد هستیم، نه جمهوری اسلامی ای که ارزشی برای مردم قائل نیست" و می‌افزاید که برای بازگرداندن انقلاب به مسیر واقعی آن، از اصلاحات و مبارزه غیرخشونت آمیز حمایت می‌کند و تأکید می‌ورزد که "برای پیشبرد مبارزه ای مسالمت آمیز نباید به دامان خشونت افتاد اگر چه من اطمینان دارم که برخی از دست اندکاران امور از افزایش خشونت استقبال می‌کنند."

پیشنهاد چهارم آقای کروبی به ریشه یابی و علت یابی حوادث اخیر اختصاص دارد و در آن، به دستگاه‌های امنیتی توصیه می‌کند که "به جای پروژه‌های نخ نما شده و اعتراف گیری های بی حاصل به دنبال ریشه یابی اتفاقات" باشد و با ابراز این نظر که خشونت برخی از معترضان نتیجه "خشونت برهنه و ظلمی است که بر آنها روا شده" می‌نویسد که "از دیدگاه اینجانب، ریشه این اتفاقات و مظالم و عصبانیت مردم نیز به انتخابات ریاست جمهوری 84 باز می‌گردد، انتخاباتی که نقطه آغاز در نادیده گرفتن رای و حق مردم بود."

مهدی کروبی در پنجمین بند از پیشنهادهای خود، برای "منظره با هر نماینده ای از سوی حکومت" اعلام آمادگی می‌کند تا، به گفته وی، مشخص شود این انقلاب را چه کسانی به انحراف براند و مسئول مظالم بر مردم چه افراد و گروه‌هایی هستند" و می‌افزاید که داور اصلی چنین منظره ای، مردم خواهند بود.

نامه آقای کروبی خطاب به ملت ایران در پی صدور بیانیته شدیدالحن قبلی او در محکومیت نحوه برخورد ماموران امنیتی با عزاداران مخالف دولت در روز عاشورا انتشار می‌یابد.

در پی حوادث روز عاشورا، میرحسین موسوی نیز بیانیته ای صادر کرد و در آن پیشنهادهایی را برای حل بحران سیاسی کنونی مطرح ساخت که از جمله شامل مسئولیت پذیری دولت در برابر مجلس و قوه قضائیه، اصلاح قانون انتخابات، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و رعایت حق آزادی بیان و اجتماعات بود.

انتشار بیانیته میرحسین موسوی، که نسبت به نامه مهدی کروبی لحنی ملایمتر داشت، تنها با استقبال محتاطانه معدودی از محافظه کاران میانه رو مواجه شد در حالی که طرفداران دولت آن را به شدت رد کردند و از رهبران مخالف خواستند تا با محکوم دانستن تظاهرات اعتراضی طرفداران خود، از ابراز تردید نسبت به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری و مخالفت با دولت محمود احمدی نژاد توبه کنند.

میدان باید از تندروها گرفته شود

محمد خاتمی: فضای باز و انتخاب مردم

راهکارها خیلی وقت پیش گفته شده و آسان هم است؛ از جمله در بیانیته اخیر جناب آقای مهندس موسوی هم آمده که مهمترین آن تضمین برای انتخابات آزاد و قانونی و احترام به رای مردم و تنظیم ضوابط و ساز و کارهایی برای انتخابات و نیز اجرای درست آن ساز و کارها

رئیس جمهور سابق ایران با تأکید بر اینکه «محدود کردن افراط‌گری‌ها و تفریط‌گری‌ها مشکل را حل و جامعه را آرام خواهد کرد»، تأکید کرد: میدان باید از تندروها گرفته شود.

به گزارش ایبنا، سید محمد خاتمی صبح شنبه در دیدار با شورای مرکزی مجمع نمایندگان ادوار مجلس، با اشاره به مطالب مطرح شده در ابتدای جلسه توسط حاضرین گفت: «این مطالب خیرخواهانه و دلسوزانه و درصدد حل مشکل، به نفع نظام جمهوری اسلامی و برای خدمت و دلسوزی برای ایران است.»



راههای سبز

فراوان، نه جناب حجت الاسلام و المسلمین کروبی اطلاعیه دادند و نه حجت الاسلام و المسلمین خاتمی اطلاعیه صادر کردند و نه بنده و دوستانم. با این وصف یک بار دیگر مردمی خداجوی به صحنه آمدند و نشان دادند که شبکه های وسیع اجتماعی و مدنی که در طول انتخابات و بعد از آن به صورت خود جوش شکل گرفته است، منتظر اطلاعیه و بیانیه نمی مانند. در حالی که مردم نه روزنامه همراه و مشوقی در کنار خود داشتند و نه از صدا و سیما، به عنوان رسانه ای ملی و بی طرف و منصف و عاقل بهره می بردند. باز همه ملت ها و جهانیان شاهد بودند که در میان طوفانی از تهدیدها و تبلیغات و تکفیرها و اهانتها، عزاداران حسینی در این روز مقدس حسین حسین گویان به صورت مسالمت آمیز و بدون شعارهای تند روانه میدانها و مسیرهایی شدند که خود انتخاب کرده بودند و این بار نیز چون دفعات گذشته با اعمال تحریک آمیز مواجه شدند، خشونت های غیرقابل باور چون زیر کردن راهپیمایان، تیراندازی نیروهای لباس شخصی که امروز هویت آنها بر کسی پوشیده نیست و روز بروز پرده از چهره آنان و سرانشان کنار زده می شود، فاجعه ای را آفرید که اثرات آن به این زودی از صحنه سیاسی کشورمان رخت برنخواهد بست.

مشاهده فیلم های تکان دهنده عاشورا نشان می دهد که اگر شعارها و حرکات جاهایی به سمت افراط غیر قابل قبول کشانده می شود، ناشی از به زیر انداختن افراد بی گناه از روی پل ها و بلندی ها، تیراندازی ها و آدم زیر کردن ها و ترور هاست. جالب آنکه در بعضی از این فیلم ها دیده شده است که مردم در پشت چهره نیروهای انتظامی و بسیجی مهاجم برادران خود را می بینند و در شرایط بحرانی و پر از خشم و هیاهوی آنروز سعی می کنند بدانها آسیبی نرسد. اگر صدا و سیما یک جو انصاف و عقل داشت می توانست برای تلطیف فضا و نزدیک کردن مردم به همدیگر گوشه ای از این صحنه ها را نشان دهد. ولی هیئات! جریان روزهای بعد از عاشورا و گسترش دستگیریها و دیگر تمهیدات دولتی نشان می دهد که مسئولان اشتباهات گذشته را این بار در وسعت بیشتر تکرار می کنند و آنها می اندیشند سیاست ارباب تنها راه حل است.

گیرم که چند روز با دستگیریها، خشونت ها، تهدیدها و بستن دهان روزنامه ها و رسانه ها سکوت برقرار گردید، تغییر قضاوت مردم را نسبت به نظام چگونه حل می کنید؟ تخریب مشروعیت را چگونه جبران می نمایید؟ نگاه ملامت آمیز و متعجب همه جهانیان از این همه خشونت یک دولت به ملت خود را چگونه تغییر می دهید؟ مشکلات بر زمین مانده اقتصادی و معیشتی کشور که به دلیل ضعف مفرط دولت روزبروز وخیم تر می شود چه می کنید؟ با چه پشتوانه ای از کارآمدی و انسجام ملی و سیاست خارجی موثر، سایه قطعنامه ها و امتیازخواهی های بیشتر را در سطح بین الملل از سر کشور و ملتمان دور می کنید؟

اینان می اندیشند با عقب راندن نخبگان و روشنفکران و دانشگاهیان و فعالان از صحنه سیاسی خواهند توانست بدون پرداختن ریشه ای به مسائل امروز کشور به دیروز قیل از انتخابات برگردند؟ اما کسانی که تاریخ را خوانده اند و کمی با ماهیت پیچیده جوامع آشنایی دارند می دانند که این تفکر ناشی از یک توهم واقع گریز و پناه بردن به رویکردهای کم عمق و گول زنده است.

بنده به صراحت و روشنی می گویم فرمان اعدام و قتل و زندانی کروبی و موسوی و امثال ما مشکل را حل نخواهد کرد. سخنان روز چهارشنبه میدان انقلاب و قبل از آن نماز جمعه هفته پیش دانشگاه که توسط چهره های منتسب به نظام ایراد گردید، نتایج هر نوع اقدام تروریستی را مستقیماً به سمت کانون نشانه خواهد رفت و گره مشکل بحران کنونی را ناگشودنی خواهد ساخت. گوساله و بزغاله خواندن بخش عظیمی از جامعه و خش و خاشاک نامیدن آنان و مباح کردن خون عزاداران حسینی فاجعه ای است که هم اکنون توسط افرادی مشخص و صدا و سیما در جامعه رخ داده است. این چه سخنرانی است که از تریبون دولتی مردم را به جنگ با یکدیگر دعوت می کند و یک عده را حزب الله می نامد و عده ای دیگر را حزب

مرزهای زمینی و آبی جمهوری اسلامی ایران، تاکید کرد: یکدلی و وحدت در میان نیروهای سیاسی و مردم بیش از هر زمان دیگری نیاز است و همه باید با گذشت و فداکاری زمینه های آن را فراهم کنند.

آیت الله هاشمی رفسنجانی تاکید کرد: دشمنان خارجی به وضعیت فعلی کشور و افزایش اختلافات دل بسته اند و این در سخنانشان قابل مشاهده است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام تاکید کرد: اقدامات برای حل مسائل موجود و رفع اختلافات باید با درک اهمیت زمان صورت پذیرد و ائتلاف وقت می تواند فرصتها را نابود کند.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به سؤال یکی از حاضرین تصریح کرد: سکوت نکرده ام و همواره برای کمک به حل مشکلات بدون جنجال خبری تلاش خود را نموده ام.

وی افزود: راه حل هایی را به تشخیص خود برای حل مشکلات پیش آمده قیلاً بیان کرده ام و تکرار مداوم آن را ضروری نمی بینم، مضافاً اینکه متأسفانه برخی آلوده به اغراض سیاسی و جناحی دنبال جوسازی و ایجاد جنگ روانی در کشور هستند که ادامه این روند را به صلاح کشور نمی دانم.

در ابتدای این دیدار اعضای مجمع نمایندگان ادوار مجلس هر یک به طور جداگانه به بیان نقطه نظرات و نگرانیهای خود از وضعیت موجود پرداختند. پاسداری از اندیشه دینی و قانون اساسی، رعایت صداقت در عرصه سیاست، عدم استغناء ابزاری از مقدسات، تلاش بزرگان سیاسی کشور برای برون رفت از وضعیت فعلی، رعایت اعتدال در اعلام مواضع و دوری از قانون گریزی اهم مطالبی بود که حاضران در سخنان خود بر آن تاکید کردند.

بیانیه ۱۷ موسوی:

۵ راه حل برای خروج

قبل از خواندن بیانیه، توجه شما را به این نکته مهم در مورد بیانیه موسوی جلب می کنم، نقد بیانیه و نکته ای بسیار مهم در مورد آن را هم از اینجا می توانید مطالعه فرمایید.

میرحسین موسوی در بیانیه ای به مناسبت وقایع عاشورای حسینی و روزهای پس از آن ضمن انتقاد از برخوردهای خشونت آمیز نیروهای حکومتی با ملت عزاداران ایران راه حل های پنجگانه خود را برای خروج وضعیت بحرانی فعلی ارائه کرد. این نامزد معترض به نتایج انتخابات ضمن خودجوش خواندن اعتراضات مردمی در تاسوعا و عاشورای حسینی در راه حل های پنجگانه خود بر اهمیت مسئولیت پذیری مستقیم دولت در مقابل ملت و مجلس و قوه قضائیه در مقابل مردم، تدوین قانون شفاف و اعتماد برانگیز برای انتخابات، آزادی زندانیان سیاسی و احیاء حیثیت و آبروی آنها، آزادی مطبوعات و رسانه ها و به رسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی تاکید کرد.

به گزارش نوروز متن کامل بیانیه به شرح زیر است:

بسم الرحمن الرحيم
السلام عليك يا ابا عبدالله. اني سلم لمن سالمكم و حرب لمن حاربكم و وال لمن والاکم و عاد لمن عادکم. قبائلیتی کنت معکم قافوزاً فوزاً عظيماً

همواره به اینجانب و دوستان گفته می شد که اگر شما اطلاعیه ندهید مردم به خیابانها نخواهند آمد و آنان از اعتراضات و مطالبات خود دست برخواهند داشت و آرامش به کشور برخواهد گشت. بنده به عنوان یک همراه جنبش عظیم سبز مردمی با این نظر موافق نبودم و می اندیشیدم که تا اصلاحات لازم با تکیه بر اصول روشن که می توان آنها را از قانون اساسی استخراج کرد، صورت نگیرد، آب رفته به جوی باز نخواهد گشت.

برای مراسم عاشورای حسینی علیرغم درخواستهای

تحت فشار قرار می دهند قرار می گیرند. امروز در وضعیتی قرار گرفته ایم که اگر چاره ای اندیشیده نشود شاهد یک دایره و سیکل خطرناک؛ برخوردهای افراطی و غیر قانونی از یک سو و نیز عکس العمل خشونت بار که هدایت آن هم از سوی کسانی است که اصل را قبول ندارند خواهیم بود و این جامعه است که بزرگترین زیان را می بیند»

وی افزود: «راهکارها خیلی وقت پیش گفته شده و آسان هم است؛ از جمله در بیانیه اخیر جناب آقای مهندس موسوی هم آمده که مهمترین آن تضمین برای انتخابات آزاد و قانونی و احترام به رای مردم و تنظیم ضوابط و ساز و کارهایی برای انتخابات و نیز اجرای درست آن ساز و کارها»

خاتمی تصریح کرد: «بنده هم معتقدم نحوه برگزاری انتخابات و شیوه برگزاری و ساز و کارهای آن اشکالات اساسی دارد که در نتیجه آن نقصانها و اشکالات است که کار به اینجا می رسد و مردم بی اعتماد می شوند.» رئیس دولت اصلاحات با بیان اینکه «انتخابات باید آزاد، عادلانه و قانونی طبق همه ضوابطی که وجود دارد برگزار شود»، اظهار داشت: «آزادی های اساسی که در قانون اساسی آمده باید برای احزاب و گروه ها و مردم تامین شود، میدان باید از تندروها گرفته شود که همه چیز را از بین خواهد برد. همه باید از جمهوری اسلامی دفاع کنیم.»

وی تاکید کرد: «خیال نکنیم اگر جمهوری و نظام برود، بناسبت نظام شسته رفته ای که به نفع مردم است به ما داده شود، از آن طرف هم خیال نکنند اگر معیارهای قانون اساسی را از بین ببرند چیزی به نام به اصطلاح حکومت اسلامی بوجود خواهد آمد.»

رئیس بنیاد باران یادآور شد: «حرکت در چارچوب قانون اساسی، مبنای کار قرار گرفتن قانون و منطق و محدود کردن افراط گریها و تفریط گریها مشکل را حل می کند و جامعه را آرام خواهد کرد.»

سیدمحمد خاتمی خاطر نشان کرد: «مسائل روشن است باید مدیرانه به سوی حل آنها رفت؛ نبودن انتقادات سبب مشکلات می شود، باید هر حکومتی سر کار است مشکلاتش را ببیند و در مقابل مسائل هم جوابگو باشد تا اصل نظام محفوظ بماند، بیابید سیاستی را نشان دهیم که اخلاقی است.»
گفتنی است در ابتدای این دیدار حاضرین در جلسه به بیان دیدگاهها و نظرات خود پیرامون مسائل روز کشور پرداختند.

رفسنجانی:

راه حل ها را قبلارائه کرده ام

ریشه اختلافات سیاسی باید با عقلانیت خشکانده شود، سکوت نکرده ام برای کمک به حل مشکلات بدون جنجال خبری تلاش خود را نموده ام

رئیس مجلس خبرگان رهبری افزایش اختلافات میان نیروهای سیاسی را مهمترین مشکل کشور خواند و گفت: ریشه این اختلافات باید با عقلانیت شناسایی و خشکانده شود.

به گزارش خبرگزاری مهر، اعضای شورای مرکزی مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی روز دوشنبه با آیت الله هاشمی رفسنجانی دیدار کردند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در این دیدار با اشاره به سخنان اخیر رهبری، اجماع بر محور قانون و دوری از اقدامات خودسرانه را از جمله محورهای اساسی در این بیانات عنوان کرد و افزود: اگر این دور رعایت شود جامعه به حالت تعادل نزدیک خواهد شد و جایی برای اختلاف باقی نمی ماند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با اشاره به اوضاع جهانی، منطقه و حضور نظامی کشورهای غربی در



داخلی برگردانیم؟

۵- برسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی و تشکیل احزاب و تشکل ها و پایبندی به اصل ۲۷ قانون اساسی. اقدام در این زمینه که می تواند با درایت و همکاری همه علاقمندان به کشور صورت گیرد در طول چند ماه می تواند فضایی توأم با دوستی و نیروهای امنیتی با جایگزین در گیری سازمان بسیج و نیروهای امنیتی با مردم و یا درگیری مردم با مردم نماید.

به بندهای فوق پیشنهادات دیگری نیز می توان اضافه کرد. به نظر بنده حتی یک جوی کوچک زلال در این بین می تواند مغتنم باشد. ضرورتی ندارد همه بندها با هم شروع شود. مشاهده عزم در این راه بر روشنی افق کمک خواهد کرد. و کلام آخر آنکه همه این پیشنهادات بدون نیاز به توافق نامه و مذاکره و داد و ستدهای سیاسی و از موضع حکمت و تدبیر و خیرخواهی می تواند اجرایی شود.

ایران و جهان

ژنرال دیوید پترانوس، رییس فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا:

بمباران تاسیسات اتمی ایران شدنی است

ژنرال دیوید پترانوس، رییس فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا، در یک مصاحبه تلویزیونی اظهار داشت ارتش ایالات متحده «طرح های احتیاطی» برای مواجهه با برنامه اتمی ایران را آماده کرده است و تصریح کرد با وجود تدابیر اتخاذ شده از سوی تهران، تاسیسات هسته ای ایران را می شود بمباران کرد.

ژنرال دیوید پترانوس در مصاحبه با کریستین امانپور خبرنگار شبکه سی ان ان ضمن تاکید بر دیپلماسی و وضع تحریم در مواجهه با برنامه اتمی ایران گفت: «اگر ستاد مشترک ارتش آمریکا برای احتمال های مختلف نیندیشیده باشد و طرح هایی برای احتمالات گوناگون اتخاذ نکرده باشد، تقریباً به معنی واقعی کلمه بی مسئولیتی است.»

در بخشی از این مصاحبه هنگامی خبرنگار سی ان ان از رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا درباره توانایی اسرائیل در بمباران تاسیسات اتمی ایران پرسید اما وی از اظهار نظر خودداری کرد.

با این حال ژنرال پترانوس در پاسخ به این پرسش که تا چه اندازه تاسیسات اتمی ایران آسیب پذیر هستند اظهار داشت که ایران استحکامات این تاسیسات را تقویت کرده و تونل های زیرزمینی خود را نیز گسترش داده است؛ وی با این حال تاکید کرد که تاسیسات اتمی ایران مصون از بمباران نیستند.

ژنرال دیوید پترانوس گفت: «قطعاً می توان آنها را بمباران کرد. میزان اثر (بمباران) بستگی به این دارد با چه چیزی این کار انجام پذیرد و از چه مهماتی استفاده شود.»

ژنرال پترانوس در ادامه تاکید کرد که هنوز برای دیپلماسی در مواجهه با برنامه اتمی ایران فرصت وجود دارد و تصریح کرد برای اجرای هیچ یک از «طرح های احتمالی» ضرب الاجلی برای ایالات متحده وجود ندارد. ایالات متحده و متحدان اروپایی اش ایران را متهم می کنند که در پس برنامه هسته ای خود اهداف نظامی را دنبال می کند؛ ایران این اتهام را همواره رد کرده است.

ایران برای بهبود امنیت آسمان خود، در زمستان سال ۱۳۸۷ بخش پدافندی خود را از نیروی هوایی ارتش جدا کرد و آن را به نیروی مستقلی تبدیل کرد.

ایران همچنین برای تقویت سامانه های پدافندی خود طی یک قرارداد ۷۰۰ میلیون دلاری که در سال ۲۰۰۵ با روسیه امضا کرد موشک های تور-ام یک را از این کشور تحویل گرفت.

با این حال روسیه تاکنون از تحویل سامانه پدافندی اس-۳۰۰ به ایران خودداری کرده است.

حال ظهور هستند و روز به روز قوی تر می شوند. در حالیکه ما متأسفانه از دادن یک بودجه سالانه و نگهداشتن حسابهای ذخیره ارزی و امانت در سپرده های مردم و پاسخگویی در مقابل دیوان محاسبات عمومی و مجلس شورای اسلامی عاجز هستیم.

ما نه آمریکایی هستیم و نه انگلیسی. تا حال نه کارت تبریکی برای روسای کشورهای بزرگ فرستاده ایم و نه امید یاری آنها را داریم و می دانیم با اصالت قدرت در روابط بین الملل هر کشور به دنبال منافع ملی خود است و ما بیزار از کسانی هستیم که بر عرف و اعتقادات دینی و ملی ملت خود احترام نمی گذارند. و مضحک است که بما تهمت اهانت به قرآن، عاشورای امام حسین یا پاره کردن عکس حضرت امام قدس سره زده شود. مسلمانا حرمت شکنی اگر در روز عاشورا صورت گرفته باشد مورد تایید ما نیست، اما بدترین نوع حرمت شکنی را کشتن بندگان بیگناه و عزادار در روز عاشورا و در ماههای حرام می دانیم. اما من برآنم که راه حل مشکلات پیش آمده و بحران موجود چنین است؛ وضعیت کشور امروز چون رودخانه خروشان و عظیمی است که سیلابهای تند و حوادث گوناگون باعث طغیان و گل آلود شدن آن شده است. راه آرام کردن این رودخانه بزرگ و روشن ساختن و زلال کردن آب آن در یک اقدام سریع و عاجل امکان پذیر نیست. اندیشیدن باین گونه راه حلها که عده ای توبه کنند و عده ای معامله کنند و بده و بستانی صورت گیرد تا این مشکل بزرگ حل شود عملاً به بیراهه رفتن است.

بنده راه حل را در روانه ساختن نهرها و چشمه هایی از آب روشن و شیرین به بستر این رودخانه می دانم که بتدریج و طی یک فرآیند تدریجی کیفیت آب و وضع رودخانه را تغییر دهد. و نیز اعتقاد دارم که هنوز دیر نشده است و نظام ما آن قدرت را دارد که در صورت تدبیر و در صورت داشتن یک نگاه احترام آمیز و توأم با ملاحظت به همه ملت و اقشار آن این مهم را بانجام برساند. بنده تعدادی از این راه حلها را که چون نهرها و چشمه هایی از آب روشن می تواند فضای ملی را تحت تاثیر قرار دهد و اوضاع را به سمت بهبود ببرد، بیان می کنم:

۱- اعلام مسئولیت پذیری مستقیم دولت در مقابل ملت و مجلس و قوه قضائیه به نوعی که از دولت حمایت های غیرمعمول در مقابل کاستی ها و ضعف هایش نشود و دولت مستقیماً پاسخگوی مشکلاتی باشد که برای کشور ایجاد کرده است. به یقین اگر دولت کارآمد و محقق باشد خواهد توانست جواب مردم و مجلس را بدهد و اگر بی کفایت و ناکارآمد بود مجلس و قوه قضائیه در چهارچوب قانون اساسی با او برخورد خواهند کرد.

۲- تدوین قانون شفاف و اعتماد برانگیز برای انتخاباتها به نوعی که اعتماد ملت را به یک رقابت آزاد و منصفانه و بدون خدعه و دخالت قانع سازد. این قانون باید شرکت همه ملت را علیرغم تفاوت در آراء و اندیشه ها تضمین کند و جلوی دخالت های سلیقه ای و جناحی دست اندرکاران نظام را در همه سطوح منتفی سازد. مجالس اولیه انقلاب می تواند به عنوان الگویی مورد توجه قرار گیرند.

۳- آزادی زندانیان سیاسی و احیاء حیثیت و آبروی آنها. بنده یقین دارم که این اقدام نه به ضعف که به درایت نظام تعبیر خواهد گشت. و نیز آگاهی که جریانهای سیاسی منحطی با این راه حل مخالف هستند.

۴- آزادی مطبوعات و رسانه ها و اجازه نشر مجدد روزنامه های توقیف شده جزء ضروریات روند بهبود است. ترس از آزادی مطبوعات باید از بین برود و تجربیات جهانی در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد. گسترش کانال های ماهواره ای و اهمیت یافتن آنها و تأثیرگذاری قاطع این رسانه که بخوبی ناکافی بودن روش های قدیمی و محدودیت صدا و سیما را می رساند.

پارازیت ها و محدودیت های اینترنتی می تواند برای مدت کوتاهی اثرگذار باشد. تنها راه چاره داشتن رسانه هایی متنوع و آگاه و آزاد در داخل کشور است. آیا زمان آن نرسیده است که با اقدامی شجاعانه و ناشی از اعتماد به متفکران و نیروهای خلاق جامعه، نگاهها را از اتسوی مرزها به شکوفایی خلاقیت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی

الشیطان؟ بارها در یک سخنرانی کوتاه اعلام می کند مردم توجه کنید جنگ است! آیا این سخنان دعوت به جنگ و شورش داخلی نیست؟ با توجه به استفاده از اصطلاحات مذهبی و اشاره به آیات و روایات، این مراجع عظام و روحانیون فاضل هستند که می توانند بگویند با این گونه اشخاص چه می توان کرد؟

آنچه به بنده به عنوان یک فرد کوچک این جامعه مربوط می شود استقبال از هر هجمه ای در راه اسلام و کشور عزیزمان است و سخنان چند روز اخیر بنده را به یاد کلام امام رحمه الله علیه می اندازد که «بکشید ما را، ما نیرومند تر می شویم». بنده ابایی ندارم که یکی از شهدایی باشم که مردم بعد از انتخابات در راه مطالبات به حق دینی و ملی خود تقدیم کردند و خون من رنگین تر از آن شهدا نیست.

بنده به صراحت می گویم تا وجود یک بحران جدی در کشور به رسمیت شناخته نشود، راهی برای خروج از مشکلات و مسائل پیدا نخواهد شد. عدم اذعان به بحران، توجیه گر ادامه راه حل های سرکوبگرانه خواهد شد. اذعان به وضعیت بحرانی می تواند راه حل را نه در سرکوب که بر سر آشتی ملی قرار دهد. تهمت بی دینی و همراهی با قدرتهای بیگانه مستکبر و افراد بدنام و جریانهای منحوسی چون منافقین به فرض آنکه به حذف فیزیکی تعدادی از خدمتگزاران اسلام و مردم منتهی شود. ناشی از چشم بستن به ماهیت مشکلات ملی کشور است. من به عنوان یک دلوسو می گویم منافقین با خیانت ها و جنایت های خود مرده اند، شما برای کسب امتیازهای جناحی و کینه ورزی آنها را زنده نکنید.

من لازم می دانم قبل از آنکه راه حل خود را برای خروج از بحران مطرح سازم، بر هویت اسلامی و ملی و مخالف سلطه بیگانگان و وفادار به قانون اساسی ما و جنبش سبز تاکید نمایم. ما پیروان اباعبدالله حسین علیه السلام هستیم. ما شفیقتگان حریتی هستیم که منادیان آن امام مظلوم بود. ما پیرو کسی هستیم که در قلمرو وسیع اسلامی ربودن خلخال از پای یک زن را بر نمی تابیم. ما معتقد به تفسیر روحانی از اسلام هستیم که انسانها را با هم کیش هم می داند و یا همسانی در خلقت. نگاهی که بر کرامت ذاتی انسان باور دارد و بر نمی تابد که ضارب او در زندان با غذایی جز شبیه غذای او نگهداری شود و یا مورد شکنجه و امثال آن قرار گیرد.

بنده و دوستان عزیزم که امروز بسیاری از آنها در زندانها محبوس هستند پای بندان سرسخت استقلال کشور هستیم و از اینکه بازار اسلامی ما تبدیل به یک بازار مکاره برای کالاهای بیگانه شده است رنج می بریم. ما به شدت با فساد موجود که ناشی از سیاستهای سوء و عدم تدبیر است مخالفیم. ما می گوئیم نهاد بزرگ و تأثیر گذاری چون سپاه اگر هر روز چرتکه بیاندازد که قیمت سهام چقدر بالا و پایین رفته نمی تواند از کشور و منافع ملی آن دفاع نماید؛ به هم خود به فساد کشیده می شود و هم کشور را به فساد می کشاند. ما می گوئیم و حاضریم در مباحثات نشان دهیم که امروز منافع و حقوق مستضعفان و کارگران و کارمندان و سایر اقشار ملت در یک فساد بزرگ در حال غرق شدن است. جنبش سبز مخالف دروغ است و اثر آفتی خانمان برانداز برای کشور می داند و از اینرو دروغ های سیاسی و امنیتی و اقتصادی و فرهنگی و امثال آنها خطری بزرگ برای کشور می دانیم.

ما یک دولت و نظام صادق و رنوف و با شفقت و مبتنی بر آراء مردم می خواهیم که به تنوع آراء و عقاید مردم نه به شکل تهدید که بلکه بصورت یک فرصت نگاه کند. ما سرک کشیدن به زندگی خصوصی مردم، تقییش عقاید، تجسس، بستن روزنامه ها و محدود کردن رسانه ها را مخالف دین مترقی و رهایی بخش خود و مخالف قانون اساسی برآمده از این دین می دانیم. ما ضایع کردن یک ریال از بیت المال در جهت اهداف بانندی و جناحی حرام می دانیم و می گوئیم که سند چشم انداز ملی بیست ساله که به تأیید همه ارکان نظام رسیده است امروز به یک ورق پاره بی ارزش تبدیل شده است. ما هشدار می دهیم که رقیبان بزرگی در منطقه با ردهای اقتصادی دو رقمی در



خواهد بود و این دشواری فقط به دلیل مقاومت روسیه و چین نیست. برخی از مقامات در تیم اوپاما معتقدند شکست بیشت، همچنان اقدامی خردمندانه است. باز نگهداشتن درها، به امید اینکه نظر آقای احمدی نژاد تغییر کند، ایده خوبی است. با این حال، وضع تمهیدات هوشمندانه تر می تواند او را به سوی این نقطه سوق دهد. هر چند درباره دست زدن به این اقدام تردیدها و مجهولاتی وجود دارد، اما بهای دست روی دست گذاشتن سنگین تر است.

دیلی نیوز از:

جنگ با ایران؛ نامطلوب اما ممکن

رئیس ستاد مشترک ایالات متحده دیروز گفت هر چند رویارویی با ایران اقدام دلخواهی نیست، اما ارتش نظامی آمریکا احتمال وقوع آن را رد نمی کند. دریاسالار مایک مولن در مؤسسه خاور نزدیک و واشنگتن گفت: «مطمئنم ما زمان طولانی است که بر روی ایران متمرکز بوده ایم و از احتمالات آگاه هستیم. ما در عین حال که نیروهای خود را آماده نگاه داشته ایم، همانطور که در بسیاری شرایط غیرقابل پیش بینی این کار را می کنیم، اما همکاری که لازم باشد انجام می دهیم تا مناقشه ای اتفاق نیفتد.»

رئیس ارتش آمریکا گفت علیرغم انکارهای محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران، وی شکی ندارد که ایران به دنبال توسعه زرادخانه تسلیحات هسته ای است. وی گفت: «من اعتقاد دارم آنها در مسیری قرار گرفته اند که هدف استراتژیک آن، توسعه تسلیحات هسته ای است. آنها مدتی است که این مسیر را طی می کنند.» مولن گفت حمله علیه ایران می تواند «ثبات را تا حد زیادی به مخاطره بیندازد» و نسبت به «عواقب پیش بینی نشده آن برای خاورمیانه» ابراز نگرانی کرد. وی گفت: «آن بخش از دنیا می تواند بسیار بی ثبات شود؛ که برای دنیایی که ما اکنون در آن زندگی می کنیم، بیشتر یک رویداد خطرناک جهانی محسوب می شود تا منطقه ای.»

تهران به دلیل خودداری از توقف فعالیت های حساس هسته ای خود، هم اکنون مشمول سه دور از تحریم های سازمان ملل شده است. ایالات متحده و متحدان آن کشور می گویند زمان وضع دور چهارم تحریم ها فرا رسیده است. این درحالی است که به گفته دیپلمات ها، روسیه و چین در برابر این درخواست مقاومت می کنند. باراک اوپاما رئیس جمهور آمریکا به ایران پیشنهاد داده بود در صورت همکاری آن کشور برای زودتر تردیدها و نگرانی ها از برنامه هسته ای و سایر معضلات موجود، احتمال عمیق تر شدن تماس ها با واشنگتن وجود خواهد داشت. اوپاما پایان سال 2009 را به عنوان ضرب الاجل برای تغییر رفتار ایران و پذیرش بسته پیشنهادی شش قدرت بزرگ شامل مشوق های اقتصادی و سیاسی در قبال تعلیق برنامه غنی سازی اورانیوم در نظر گرفته بود. البته این ضرب الاجل با بی اعتنائی ایران روبرو شد.



گذشت این چند ماه ایران به دنیا نشان داد زیر پا گذاشتن قوانین پیمان تا چه حد سهل و آسان است، در این صورت کار پیمان منع گسترش تمام شده است. بنابراین، اکنون زمان در نظر گرفتن اقدامات و تمهیدات جدی تر فرا رسیده است. تنها دو گزینه پیش روی کشور های گروه شش باقی مانده است: وضع تحریم های سنگین تر و یا دست زدن به اقدام نظامی.

هیچ دولتی در دنیا، حتی در اسرائیل، مایل به استفاده از زور نیست. حملات نظامی می توانند سبب ایجاد وقفه در تلاش های هسته ای ایران شوند، اما فواید و هزینه های آن غیرقابل پیش بینی اند. ممکن است سبب محو شدن تأسیسات شناخته شده شوند، اما نهادهای اطلاعاتی می دانند که تأسیسات دیگری نظیر نیروگاه غنی سازی اورانیوم تا حد خلوص تسلیحاتی در کوه های اطراف شهر قم نیز وجود دارند که محل آن، تنها چهار ماه پیش برملا شده است. این حملات حتی اگر بتوانند تمام تأسیسات را هدف بگیرند، بلند پروازی های ایران را فقط به طور موقت فرو می نشاند. پس از آنکه اسرائیل در سال 1981 به راکتور اسیرک عراق حمله کرد، صدام حسین دوباره دست به کار تولید بمب هسته ای شد. حملات نظامی این خطر را به همراه دارند که منطقه بی ثبات خاورمیانه را با یک مناقشه گسترده تر روبرو کنند.

بنابراین، تحریم های سنگین تر تنها گزینه موجود به جای باز گذاشتن دست تهران در غنی سازی تا حد خلوص هسته ای و اعلام در اختیار داشتن یک بمب هسته ای است. اما روسیه و چین در برابر سخت تر شدن تحریم ها مقاومت می کنند. درحالی که شرکت های غربی از ایران خارج شده اند، چین به سرمایه گذاری هنگفتی در صنایع نفت و گاز ایران دست زده است.

منافع فردی تنها انگیزه مقاومت در برابر تحریم ها نیست. کسانی هستند که از دست زدن به حمله نظامی حمایت می کنند و دسته دیگری نیز تنها به عیب جوئی از تحریم ها و ادعای ناکارآمد بودن آنها بسنده می کنند. برخی نیز اعتقاد دارند تحریم ها کارآمد است، اما ضرر آن بیش از سود آن است زیرا امکان به راه انداختن احساسات عمومی در سراسر کشور را به وجود می آورد؛ آن هم در شرایطی که به نظر می رسد جنبش معترضان در آستانه ایجاد تغییر در کشور است.

با این حال از جنبش سبز ایران درک کافی وجود ندارد و به همین دلیل نمی توان روی آن حساب زیادی کرد. تقریباً هیچ گزارش مستقلی از آنچه در داخل کشور می گذرد در دست نیست، معترضان رهبری مشخصی ندارند و سرنوشت جنبش تا حد زیادی به شکاف های موجود در داخل حکومت دینی گره خورده است. حتی در جاهانی که حقایق شفاف تر بوده اند، اثر تحریم ها قابل پیش بینی نبوده اند. مثلاً تحریم ها علیه صدام حسین باعث شد رژیم به فعالیت هایش شدت ببخشد. در نقطه مقابل، به نظر می رسد تحریم ها در برابر رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و نیز برنامه هسته ای لیبی، کارآمد بودند. اگر قرار بود از تحریم ها فقط وقتی استفاده شود که عواقب آن کاملاً روشن باشد، اصلاً از آنها استفاده نمی شد. از طرف دیگر، نامطمئن بودن نمی تواند بهانه ای برای بیکار نشستن باشد زیرا دست روی دست گذاشتن می تواند خطرناک باشد.

تکته در اینجاست که تحریم ها باید رژیم را تنبیه کنند و بر مردم اثر سوء نگذارند. تحریم های فعلی توانسته اند واردات غیرقانونی در خدمت برنامه های هسته ای و موشکی را مختل کنند. بازرسی معمول از کشتی ها و هواپیماهای ایرانی در بنادر و فرودگاه های خارجی به کشفیات بیشتر منجر می شوند. محدودیت های بانکی نیز خشم رئیس جمهور و نمایندگان مجلس را برانگیخته اند. این تمهیدات می توانند سخت تر و سنگین تر شوند. با در نظر گرفتن کمبود توان پالایشگاهی ایران، کنگره آمریکا در پی تحریم واردات بنزین به آن کشور است، که خود می تواند سبب به زانو در آمدن اقتصاد رژیم شود. البته ممنوع کردن سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز و نیز واردات تسلیحات می تواند اقدام هوشمندانه تری باشد. جلب توافق همگان برای وضع چنین تحریم هایی دشوار

نوع پیشرفته این سامانه پدافندی که «اس-۳۰۰» پی ام یو نام دارد می تواند تا شعاع ۱۵۰ کیلومتری خود را پوشش دهد و قادر است هواپیماها و موشک های بالستیک در ارتفاع کم یا زیاد را ردگیری کرده و هدف قرار دهد. ایالات متحده و اسرائیل با تحویل این سامانه به ایران مخالفت کرده اند.

در سال ۲۰۰۹ کشور های غربی به ایران پیشنهاد دادند که ۱۲۰۰ کیلوگرم از ۱۵۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۳.۵ درصد غنی شده خود را با مقدار کمتری اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده برای مصرف در راکتور تهران معاوضه کند که این پیشنهاد علیرغم توافق های اولیه از سوی ایران رد شد.

در ماه های پایانی سال ۲۰۰۹ که مقارن بود با تاخیر ایران در پاسخ به پیشنهاد معاوضه اورانیوم، شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی طی قطعنامه ای ایران را به دلیل ابهام در برنامه هسته ای اش محکوم کرد. همزمان کشور های غربی و در راس آنها ایالات متحده به ایران هشدار داده اند که ایران در صورت عدم همکاری با دور جدید تحریم ها در شورای امنیت سازمان ملل روبرو خواهد شد.

در همین حال مجلس نمایندگان و سنای آمریکا بر روی طرح هایی کار می کنند که در صورت ادامه این وضع، دامنه تحریم های یکجانبه علیه ایران را گسترش دهند؛ یکی از اقدام مطرح شده در کنگره آمریکا برای قرار گرفتن در فهرست تحریم بنزین است؛ کالایی که ایران ۴۰ درصد از نیاز خود را از طریق واردات تامین می کند.

اکنون چیست :

زمانی برای تحریم های شدید



شش کشوری که تلاش می کنند به کمک گفتگو ایران را به دست برداشتن از بلند پروازی های هسته ای خود متقاعد کنند، با وضعیت ناخوشایندی روبرو شده اند. تهران به تولید اورانیوم غنی شده ادامه می دهد و آنرا در خدمت برنامه هسته ای صلح آمیز می خواند. این درحالی است که هنوز راکتوری برای استفاده از مواد هسته ای در اختیار ندارد و اورانیوم غنی شده می تواند در تولید یک بمب هسته ای به کار گرفته شود.

محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران با پیشنهادی روبرو شد که به موجب آن، روسیه و فرانسه اورانیوم خلوص پائین این کشور را دریافت می کنند و پس از تبدیل به اورانیوم خلوص بالا و قابل استفاده در راکتور تحقیقات پزشکی در خارج از مرزهای آن کشور، آن را دوباره به ایران باز می گرداند. درحالی که ذخیره اورانیوم ایران رو به کاهش گذاشته و تنها چند ماه تا اتمام آن زمان باقی مانده، پذیرش این پیشنهاد می تواند پنجره ای به سوی اعتماد سازی میان تهران و گروه شش باز کند. ضرب الاجل در نظر گرفته شده برای پذیرش این پیشنهاد در آخر سال 2009 به پایان رسید و دستی که باراک اوپاما به سوی رژیم ایران دراز کرده بود، پس زده شد.

التهاب ها افزایش یافته است زیرا این معضل، آزمونی برای پیمان منع گسترش جنگ افرای هسته ای (ان-پی-تی) محسوب می شود. به موجب این پیمان، کشور ها دارای حق تولید جریان برق هستند اما اجازه تولید تسلیحات هسته ای به کمک شکافتن هسته را ندارند. قرار است پیمان یاد شده در ماه جاری تحت بازنگری قرار بگیرد. اگر با



نگاه سبز

شاهکار موسوی
محسن حیدریان

اصلی‌ترین نکته بیانیه هفدهم آقای موسوی که سناریو کودتاگران و نیز برخی افراطیون خارج از کشور را برگرداند، گذر از خواست ابطال انتخابات و گشودن یک سناریو تازه در دستور کار سیاسی ایران است. سناریو مطلوب کودتاگران نزدیکی زیادی با تصور کسانی در خارج از کشور داشت که باصطلاح "ارتقاء خواست های جنبش" و "گذر از موسوی و خاتمی و کروبی" با خیال تغییرکل نظام همچون آلتزناتو آنرا با رادیکالیسم بیشتر و صفت بندی ستیزه جویانه تر، در مبارزات رودرروی خیابانی باحاکمیت، تشویق می کنند. این بدترین و خطرناک ترین چشم انداز ممکن برای جنبش سبز بود. زیرا نازک ترین و ضعیف ترین رگه جنبش سبز یعنی خشمگین ترین و آوانگارترین و به حق زخم خورده ترین بخش آنرا در برابر بیرحم ترین، بدوی ترین و نیرومندترین بخش حاکمیت یعنی قداره بندان و تندروترین بخش کودتا قرار میداد. این سناریو برنده ای جز افراطی ترین بخش حاکمیت نداشت و ندارد و در عمل جنبش سبز را در بی دفاع ترین موضع ممکن قرار میداد. زیرا بخش مهمی از شهروندان، زنان و مزد بگیران جامعه را از جنبش دور می کرد، هواداران دولت را یکدست تر و تهاجمی تر می کرد و بخش مهمی از اصول گرایان معتدل را که اکنون بشدت در رویارویی با افراطیون قرار گرفته اند، کاملاً در موقعیت پاسیف و بی تفاوت قرار میداد. اکنون موسوی با پذیرفتن شجاعانه و تیزبینانه واقعیت شناسانه دوفاکتوری این دولت، راه را هم برای راه های مقاومت مدنی و مسالمت آمیز دیگری را، با دوری از رادیکالیسم و بر اساس خواسته های اثباتی و قابل تحقق روشن هموار کرده و هم امکان برکناری قانونی دولت احمدی نژاد را با گسترش صفوف جنبش سبز در جامعه و نیز در روبنای حاکمیت، باز گذاشته است.

بنابراین راهبرد سیاسی درست آقای موسوی بازتاب واقعیت های مرحله کنونی مبارزات مردم ایران با استفاده بهینه از بسیج نیروها، از طریق ظرفیت سازی و ارزشهای دموکراتیک مسالمت آمیز است. اکنون با شکست تدریجی سناریو کودتاگران، اگر از تصور کودتاکانه "فرپاشی رژیم" که بیشتر یک شوخی بنظر می رسد، بگذریم، دو سناریو در چشم انداز سیاسی کشور واقعی تر بنظر میرسد. سناریو نخست بازگرداندن صحنه سیاسی کشور به تحقق راهکارهای پنج گانه موسوی که همان خواست "تغییر"، "آزادی" و "حقوق شهروندی"، از طریق یک سازش درست و عقب نشینی حاکمیت با وجود واقعیت دوفاکتوری دولت کنونی است. این راه حل، به بطری بازگرداندن دیو نیروهای سرکوب و فشار رژیم و بویژه فعال تر شدن نیروهای بینابینی حاکمیت نیاز اساسی دارد. در این سناریو بخشهایی مهمی از راهکارهای پنج گانه موسوی در قالب نظام کنونی می تواند به واقعیت تبدیل شود.

سناریو دوم که کمی بلند پروازانه تر بنظر می رسد، برکناری قانونی این دولت در چشم انداز تحولات مسالمت آمیز در چارچوب قانون اساسی کشور با یک تکان نیرومند تر در روبنای سیاسی حاکمیت نیاز اساسی دارد. این تکان به نیرومند تر شدن جنبش سبز نه از راه رادیکال تر شدن آن بلکه جلب گسترده تر شهروندان به آن و یک فضای آرام سیاسی و مبارزات مدنی و تظاهرات مسالمت آمیز خیابانی با شعارهای اثباتی روشن و نیز آزادی زندانیان سیاسی و آزادی مطبوعات نیاز اساسی دارد. در هر دو صورت، جنبش سبز به استمرار و پای بندی به آن فرهنگ سیاسی مسالمت جویانه ای نیاز حیاتی دارد که در پی زایش و نهادی کردن دموکراسی، با پرهیز از ستیزه

جوی و روش حذفی، همچون شرط اساسی پیروزی با توجه به تناسب قوای سیاسی موجود و نیز میدان ندادن به نیروهای افراطی و انزوی سیاسی آنهاست.

باز هم بیانیه ۱۷

رضا سیاوشی - امیر حسین گنج بخش

این چهارمین نوشتار از نویسندگان حاضر در ارتباط با سامانیایی جنبش سبز و چشم انداز آینده و نقش راهبردی «انتخابات آزاد»، در آن است [۱]. موضوع نوشته حاضر بررسی و رمز گشایی بیانیه شماره ۱۷ مهندس موسوی است که در پی وقایع محرم صادر شده است. اکثر صاحب نظران وقایع محرم را نقطه عطف جنبش سبز می دانند. از نظر ما، در پی وقایع عاشورا جنبش سبز وارد فاز جدیدی شده و از یک جنبش اعتراضی و مطالباتی به جنبش کشور داری و دولتمداری فراروینده است. بازتاب این امر را هم در بیانیه ۱۷ مهندس موسوی و هم در واکنش های مثبت و منفی سبزها و دولتی ها می توان مشاهده کرد. حتی بیانیه ۵ نفری که خود را درون ساختار معرفی می کنند، خواهی نخواهی ساختارهای نظام را به چالش کشیده است. از آنطرف هم ما شاهد اغتشاش در جبهه حکومتیان هستیم که یکی از نشانه های آن استعفا آیت الله حسینیان رئیس «فراکسیون انقلاب اسلامی» در مجلس است. وی که از تند خوترین بخش اصولگرایان است، با اعلام علنی شکست از مجلس استعفاء داده و در استعفا نامه اش عباراتی بکار برده مانند «احساس نا امیدی، سرخوردگی، ناتوان از خدمت، نقش بر آب شدن تلاش ها، بی خاصیت شدن» و همانجا خود را «شکست خورده، زبختورده» می خواند و چشم اندازی جز «گوشه گیری، عزلت» برای خود نمی بیند. توجه کنید که این سخنان پس از وقایع محرم و پس از تظاهرات دولتی ۹ دی ماه، و پس از تبلیغات دولتیان در بزرگمائی آن تظاهرات و تحقیر جنبش سبز نوشته شده است. نشان می دهد که حتی خود حکومتیان هم تبلیغات خود را باورد ندارند. جنگ فرسایشی بر علیه جنبش سبز به فرسایش نیروهای جنگی رژیم انجامیده است.

بررسی بیانیه ۱۷ مهندس موسوی باید در پرتو مسائل فوق و به عنوان یکی از قطعات پازل بزرگ تری که صحنه سیاسی ایران را تشکیل می دهد انجام گیرد. در زیر، در بخش اول موضوع تقسیم کار نانوشته در درون جنبش سبز بعنوان کلید رمز درک بیانیه های موسوی را مطرح میکنیم. در بخش دوم به فرارویین جنبش سبز از جنبش مطالباتی به جنبش دولت مداری و کشورداری، و انعکاس آن در بیانیه ۱۷ موسوی می پردازیم، در بخش سوم به نقش مرکزی انتخابات آزاد در جنبش سبز و بررسی وزنه آن در بیانیه آقای موسوی خواهیم پرداخت، و در بخش چهارم به تفاوت های بیانیه مهندس موسوی با طرح مطهری و بیانیه ۵ نفر خواهیم پرداخت.

۱

کلید رمز بیانیه های موسوی در آنست که بر خلاف شیوه متداول، این بیانیه ها جمع بندی یا بازتاب تظاهرات خیابانی و فعالیت های دیگر جنبش سبز نیستند، بلکه مکمل آنهایند.

بنا به الزامات جنبش سبز، میان مهندس موسوی و بنده جنبش سبز یک تقسیم کار نانوشته شکل گرفته است که منشاء آن در سرشت خودپو و خودگردان جنبش سبز نهفته است. این خودپویی و خودگردانی لزوماً خوب نیست، ولی تاکنون و در شرایط ویژه ایران نکات مثبت فراوانی داشته است. امید آنست که روزی جنبش سبز انسجام پیدا کند، به فرماندهی واحد دمکراتیک دست یابد، تا کارآمدی جنبش صدها برابر بالاتر رود. اما تا آن هنگام، خودپویی نسبی جنبش سبز را باید بعنوان یک حقیقت به پذیریم. این حقیقت موجب کاهش کارآمدی جنبش سبز است، اما از بعضی جنبه ها امکاناتی را برای جنبش پدید آورده و انعطاف هائی را ممکن گردانیده که در مقابله با درندگی رژیم حیاتی هستند.

این خودپویی و خودگردانی جنبش سبز، رابطه ویژه ای را میان بنده و رهبری بوجود آورده است و حتی می توان گفت تا حدودی جنبش سبز مستقل از رهبری عمل می کند. مثلاً شاهد بودیم که در تظاهرات عاشورا مهندس موسوی تصریح کرد که بنا به مقتضیات جنبش سبز از دعوت به راهپیمایی اجتناب کرده است تا همگان به خودجوشی و خودگردانی این جنبش، و استقلال نسبی آن از وی پی ببرند. بنا بر این ما با رابطه بسیار پیچیده تر از انواع رایج رهبری و پیروی روبرو هستیم که بیشتر بیان یک تقسیم کار نانوشته ولی بسیار ظریف و پیچیده میان دو طرف است. اقدامات بنده و رهبری لزوماً همیشه عمودی و از بالا به پایین نیست، در بسیاری مواقع موازی است. به همین دلیل مهندس موسوی خود را همراه و همسفر جنبش سبز می خواند. این تقسیم کار بیش از همه در مورد عاشورا دیده شد. نخست آنکه مهندس موسوی دعوت کننده تظاهرات نبود، در ثانی، بیانیه ۱۷ که پس از این تظاهرات منتشر شد، بیانیه این تظاهرات نیست، بلکه نقش تکمیلی برای آن دارد. این بیانیه هم در لحن و هم در مضمون با شعارهای ساختار شکنانه تظاهرات روز عاشورا متفاوت است، اما نفی آنان نیست، بلکه مکمل و ادامه آنها است. اگر از زاویه خاصی نگاه کنیم، ایندو می توانند بینگ و یانگ (Ying, Yang) جنبش باشند و مانند ترازو بکنیگر را میزان کنند. از این منظر حتی می توان گفت که اگر بعضی شعارهای رادیکال تر در خیابانها طرح نمی شدند، مهندس موسوی مجبور بود برای ایجاد توازن و اثبات رز مندی و یا تقویت انرژی جنبش، لحن سخت تری در بیانیه رسمی اتخاذ کند که لزوماً به نفع جنبش سبز نبود. هرگاه کسی به این ظرافت ها توجه نکند، بناچار بیانیه ۱۷ مهندس موسوی را بر ضد تظاهرات عاشورا تبیین خواهد کرد و در نتیجه تنها کاری که برایش می ماند تخطئه رادیکالیسم نسبی جنبش سبز و اعلام جرم بر علیه شعارهای ساختار شکنانه آنست.

جنبش سبز، با آنکه عمیقاً به اصل عدم خشونت پایبند است، اما هنوز بیان تقابلی و رویارویی عمیق و ریشه ای میان دو رویه کاملاً متضاد در تمام سطوح فرهنگی و اجتماعی و تاریخی و انسانی و ارزش ها است. در این سنیز سیاسی، و در جای از رادیکالیسم برای شکستن تابوهای نظام به ویژه قداست ولایت فقیه الزامی است، حتی اگر این کار هزینه بر باشند. همانگونه که اشاره شد، به پشتوانه این رادیکالیسم نسبی در خیابان است که برای مهندس موسوی بعنوان رهبر جنبش سبز فرصتی فراهم می آید که در حوزه رسمی بیانیه ملایم و حتی صلح جویانه صادر کند بدون آنکه سرشت مبارزه جویانه جنبش سبز مورد پرسش قرار بگیرد یا از برش آن کاسته شود. در انتهای این بخش لازم تاکید گردد که بیانیه های مهندس موسوی کامل و بدون نقص نیستند، ولی روح این بیانیه ها درست و تکمیل کننده قلب و مغز جنبش سبز است. مثلاً مهندس همواره، بدون هیچگونه تردید و اما و اگر از خیابان دفاع کرده است و در برجسته کردن حقیقت پرشکوه جنبش سبز که در زیر بدترین فشارها و درنده خونی ها مقاومت می کند چیزی کم نگذاشته است. و اگر به جز این بود با سناریوی دیگری روبرو بودیم.

۲

جنبش سبز امروز دیگر از یک جنبش اعتراضی و یا مطالباتی فراتر رفته و عنصر دولتمداری و کشور داری را نیز با خود حمل میکند و این در لحن و محتوی نوشته مهندس موسوی نیز بازتاب یافته است. به پشتوانه گسترده دگی، عمق، صلابت، و متانتی که در تظاهرات خیابانی به نمایش گذاشته شده، پیامی که از ملایمت بیانیه موسوی منتقل می شود نه ضعف و عقب نشینی، بلکه دولت مداری و مسئولیت پذیری است. تقسیم کار نانوشته میان خیابان و مهندس، اجازه داده است تا مهندس موسوی با لحنی دولت مدارانه با رقیب سخن بگوید. مقایسه کنید این بیانیه موسوی را با بیانیه هایی که از طرف نظام به همین مناسبت صادر شد. محتوی آنها هم عملاً اعلام جنگ داخلی و کشتار مردم است. لحن آنها هم

تهدید و زشتخونی است. تو گویی این بیانیه ها نه از طرف دولتمداران یک کشور بزرگ، بلکه از طرف باندهای مافیایی برای تهدید و ترساندن رقیب صادر شده است. بیانیه ۱۷ محل نزاع را امر کشور داری بیان کرده است و به خوبی نشان میدهد مناقشه کنونی، موضوعش کشور داری است. التصربالرعاب ابزار کشورداری نیست. اما فرارویند جنبش سبز به جنبش دولتمداری دو وظیفه جدید در برابر آن قرار می دهد که بنا بر تقسیم کار پیش گفته، اکنون مهندس موسوی مسول پی گیر این دو وظیفه در حوزه رسمی سیاست است. خودگردان بودن جنبش سبز دست مهندس را باز می گذارد تا بیشتر توان خود را صرف این دو وظیفه نماید. و درک درست این دو وظیفه دیگر مهندس موسوی نیز، برای درک بیانیه های او حیاتی اند. این دو وظیفه عبارتند از:

الف - مقابله با خطر فروپاشی کشور و پی گیری آن در حوزه سیاست رسمی. رژیم که ششده عمر آن هزار ترک برداشته و در سراشیب سقوط قرار دارد، در آخرین نفس ها می خواهد با گره زدن سر نوشت کشور ایران به سر نوشت خود، عملاً کشور را به گروگان بگیرد. خامنه ای می گوید اگر من بروم کاری می کنم که ایران هم با من برود. همان روحیه ای که باعث می شود وی برای بدست آوردن بمب اتمی ایران را در معرض حمله نظامی قرار دهد، یا به سمت جنگ داخلی سوق دهد. در این شرایط حساس، مقابله با توطئه هایی که ایران را به سمت فروپاشی میبرد از مهمترین وظایف مهندس موسوی در حوزه رسمی و عمومی است. ب - هدایت تقابل و ستیز سیاسی با جبهه مقابل در حوزه سیاست رسمی و عمومی. وظایف جنبش سبز در مراد به جبهه مقابل شامل سه بخش می شود.

۱ - ایجاد تزلزل و شکاف در جبهه مقابل (همه جبهه مقابل لزوماً دشمن نیستند).
۲ - جلب گرایشات و افرادی که به تدریج از جبهه مقابل کنده می شوند به جبهه سبز. رژیم در حال فرسایش است. با گذشت زمان بسیاری از نیروهای منتسب به آن بصورت مخفی یا علنی جدا می شوند. این نیروها با به دلیل وجدانشان و یا منافشان، یا هر دو، آماده می شوند به سبزها به پیوندند. آنها باید بدانند که اگر به این طرف خط بیایند، از طرف سبزها در خطر نیستند. مهندس موسوی بهترین کسی است که از آنها دعوت کند و به آنها تضمین های لازم را بدهد، بلکه با استدلال نشان دهد که منافع جنبش سبز در انتقام جونی از آنها نیست. نکته مهم که این امر را در دستور کار قرار داده است، آنست که امروز، چنانچه در رفتار آیت الله حسینیان دیده می شود، حتی بد خیم ترین هواداران نظام به بی آینده بودن رژیم پی برده اند.

۳ - بن بست گشایی برای آنچه از حاکمیت باقی مانده، تا بلکه هزینه گذار هر چه کمتر باشد. نمونه این امر در ماده اول بیانیه ۱۷ مشاهده می شود. ماده اول بیانیه با عنوان پاسخگو کردن دولت در واقع به کلیت نظام راه گشایی از بن بست حکومتی را نشان می دهد. در این ماده، مهندس موسوی به سردمداران نظام راهنمایی می کند که چگونه با کمترین هزینه از دایره بسته سرکوب و تجاوز، به مدار همراهی با مردم عبور کنند. اما در قدم اول باید از توهامات بیرون بیایند، به خصوص دروغ های خود را باور نکنند و بحران را ببینند. پس از پذیرفتن بحران، روندی را آغاز کنند تا پروسه برون رفت از بن بست آغاز شود. اما حل بحران به معنی بازگشت به قبل از ۲۲ خرداد نیست. بلکه تنها به این معنی است که مسیر رفتن بسمت انتخابات آزاد برای دو طرف کم هزینه تر باشد. یعنی ماده اول روزه ای است برای نظام که از آن روزن مواد دیگر بیانیه را با هزینه کمتر بپذیرند. ماده اول، بدون ماده های دیگر که موضوعش انتخابات آزاد و شرایط آن است بی معنی می باشد. ماده اول راهکاری است برای نهادی دولتی تا با استفاده از مکانیزم های درونی نظام اسلامی به مسیر انتخابات آزاد به پیوندند و با این کار از تبدیل شدن به سیاه ترین نظام قرن ۲۱ ام

اجتناب کنند. بجز ماده اول بقیه یا مستقیم یا غیر مستقیم به انتخابات آزاد مربوط هستند.

۲ گفته شد که کلید رمز تبیین بیانیه های موسوی، درک تقسیم کار میان بدنه جنبش و مهندس است، اما دلیل موفقیت این تقسیم کار نانوشته چیست؟ می دانیم که تا کنون در سیاست ایران بیشتر تقسیم کارها، و یا قرارهای ساده که حتی با دقت نوشته شده اند و بسیار هم تضمین داشته اند کمتر موفق بوده اند، در مقایسه، چگونه است که این تقسیم کار در جنبش سبز تا آنجا موفق بوده که میوه آن شگفتی مردم ایران و جهان را برانگیخته. چگونه می توانیم این درجه هماهنگی میان مهندس موسوی و بدنه جنبش سبز را توضیح دهیم. در صورتیکه، چنانکه پیش تر گفته شد، حتی بسیاری از شعارهای طرفین هم با هم تفاوت دارند. نمونه دیگر، عبارت «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد» مهندس موسوی را در نظر بگیرید. چنین عبارتی حتی یک بار از بدنه جنبش سبز شنیده نشده است. در عوض، تمایل بدنه جنبش به شعار «جمهوری ایرانی» بسیار بیشتر است. بدنه جنبش سبز و رهبرانش حتی ادبیات یکسان بکار نمی برند. با این همه این رابطه دو طرفه تا کنونی موفق بوده است. دلیل این موفقیت را چگونه می توان توضیح داد؟

برای یافتن دلیل موفقیت باید از آنطرف مسیر استدلال به مسئله نگاه کنیم. یعنی از نتیجه گیری که همانا راهبرد انتخابات آزاد است شروع کنیم. وقتی از منظر راهبرد انتخابات آزاد بنگریم، خواهیم دید که این کلاف ظاهراً سر در گم به راحتی باز میشود و از درون این همه سردرگمی ها، تصویر روشنی از چشم انداز جنبش سبز و نقشه راه گذار به آینده ایران بدست می آید. اکنون دلیل موفق بودن تقسیم کار روشن می شود. چون این تقسیم کار انتزاعی نیست بلکه در متن راهبرد انتخابات آزاد شکل گرفته است. اکنون می توانیم تصویر جدیدی از جنبش سبز ترسیم کنیم. تقسیم کار نانوخته در متن راهبرد انتخابات آزاد، بعنوان اسم شب جنبش سبز به پیش بگذاریم، خواهیم دید که بیانیه شماره ۱۷ موسوی به آسانی محتوی خود را به ما می نمایاند. و با همین اسم شب می توان به درون دولت مداری بیانیه راه یافت.

در بیانیه موسوی، درک درست رابطه میان ماده اول (دولتمداری) و چهار ماده دیگر حیاتی است. زیرا وزن بالای مسئله انتخابات آزاد در بیانیه موسوی، می تواند آن را به نقشه راه گذار مسالمت آمیز به دموکراسی بدل کند. خصوصیت چند وجهی انتخابات آزاد، هم تضمینی برای اتحاد در ضمن کثرت گرای جنبش سبز و همزیستی گرایش های آن است؛ هم خواست مرکزی دموکراسی خواهان است، و هم راه حل خروج از بن بست برای سردمداران رژیم است؛ این طرح ترفندی بر علیه رژیم نیست، بلکه دعوت صادقانه از معقولین نظام است که آنها هم می توانند به گرد انتخابات آزاد به مردم به پیوندند و در این بازی مشترک بصورت مساوی با اعضای جنبش سبز شرکت کنند. این برای اعضای رژیمی که مطلقاً آینده ای ندارد، فرصتی است برای آینده دار شدن است. این مفهوم زمینه تمام راه حلهاست که برای برون رفت از بن بست حکومتی لازم است ارائه شود. گفتیم و باز تکرار میکنیم که جنبش سبز از روز نخست یک جنبش انتخاباتی بود، جوهرشعار اولیه آن «رای من کجاست» انتخابات آزاد است. هر طرحی که نقش مرکزی انتخابات آزاد را در راه حلها و راهبردها و راهکارها و اتحادها در نظر نگیرد، به ناچار به بیراهه می رود.

۴ تفاوت اصلی میان طرح ۵ ماده ای موسوی با طرح ۷ ماده ای علی مطهری نیز همان موضوع «انتخابات آزاد» است که در طرح مطهری مفقود است. مطهری هم با زبان خودش به مسائلی مانند آزادی بیان و آزاد کردن زندانیان پرداخته، اما طرح او تنها برای خودی ها است. راهی برای مشارکت دگر اندیشان باز نگذاشته است. وی خودی

و غیر خودی را تا درون زندانها هم گسترش می دهد. از آزادی زندانیان می گوید، اما دستگیر شدگان تظاهرات عاشورا را مجزا می کند و در عوض آزادی، بر لزوم مجازات آنها تاکید دوباره می کند. او ظاهراً می خواهد به اصلاح طلبان امتیازاتی بدهد، تا از جنبش سبز جدا شوند، بلکه زمینه انحلال جنبش سبز فراهم شود. البته علی مطهری فرد مهمی نیست. و بیانیه او به خودی خود اهمیتی ندارد. مگر آنکه با این ترفند درجه چندم، موجب سردرگمی سیاسیون درجه اول شود. متأسفانه به نظر می رسد فرد هوشمندی مانند عباس عبدی شیفته این طرح گردیده است. این خود هشدار دوباره ای است که هرگاه هدف استراتژیک جنبش سبز که همان انتخابات آزاد است برای کسی روشن نباشد، به آسانی بازی می خورد. هرگاه متفکر درجه اولی مانند عباس عبدی بازیچه فرد متوسطی می شود که حتی نزدیک ترین کسانش او را جدی نمی گیرند، پس اهمیت شعارهای کانونی صد برابر برجسته می شود.

با همین معیار می توان به بررسی بیانیه ۵ نفر پرداخت. در آن بیانیه ۱۰ ماده ای حتی یک ماده مستقل به «انتخابات آزاد» تخصیص نیافته، بلکه تنها بصورت حاشیه ای در ماده مربوط به عزل احمدی نژاد آمده است. همین نشان می دهد که برای این ۵ نفر مرتبه انتخابات آزاد کجاست. تازه چنانکه می گویند آن حاشیه را هم پس از خواندن بیانیه ۱۷ موسوی اضافه کرده اند. در همان حاشیه هم سخن از تشکیل یک کمیسیون برای تعیین اصول انتخابات آزاد است! ظاهراً این فریختگان اطلاعی از اعلامیه استانداردهای انتخابات عادلانه و آزاد که در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۹۴ در پاریس به اتفاق آنرا به تصویب یکصد و پنجاه و چهارمین نشست شورای پارلمان جهانی رسیده است و جمهوری اسلامی هم آن را امضا کرده است ندارند که می خواهند چرخ را دوباره اختراع کنند. اگر «نظام» جمهوری اسلامی نمونه یکی از اختراعات این آقایان است، می دانیم که این بار «چرخ» را هم کج و معوج از نو «اختراع» خواهند کرد. در مقایسه با انتخابات آزاد، استغفاء احمدی نژاد حتی اگر نقش تاکتیکی مهمی امروز داشته باشد، باز هم در دراز مدت بی اهمیت است. چه احمدی نژاد سقوط کند و چه باقی بماند، شعار کانونی ما انتخابات آزاد است. محور اصلی که به گرد آن تغییرات پی گیری شوند بدون آنکه مانند دوم خرداد از مسیر خود منحرف گردند، همین است.

انتخابات آزاد نه تنها برای سامان دهی آینده در آنطرف پل گذار مهم است، بلکه خودش پلی است بسوی آینده. همانطور که در اولین نوشتار با عنوان انتخابات آزاد، نقشه راه گذار گام به گام به دموکراسی، آمده است: «انتخابات آزاد» می تواند محوری باشد که به گرد آن بن بست سیاسی ایران را گره به گره باز کند، چشم انداز آینده کشور را از سیاهی بیرون آورد، و خطر جنگ و فروپاشی را منتفی کرد. در غیر این صورت خطر آنست که مجموعه ای از بن بست های سیاسی در داخل، تنش و تشنج با خارج، و خلاء فزاینده قدرت سیاسی ناشی از کاهش متداوم مشروعیت رژیم، و واگرایی فزاینده میان اجزای مختلف جامعه ایران ناشی از تجاوزات رژیم به حقوق مردم و اقلیت ها، دست به دست هم دهند و کشور ما را گام به گام بسمت انفجار کور اجتماعی و فروپاشی و نیستی برانند. از این نگاه سر نوشت کشور ما امروز در گرو نتیجه مسابقه میان انتخابات آزاد و فروپاشی است. با انتخابات آزاد دودتر به ایران می رسد و از فروپاشی جلوگیری می کند، و یا پس از فروپاشی، به ناچار باید به گرد همان پروسه «انتخابات آزاد»، آشتی ملی بوجود آورد و کشور را از درون خرابیه های فروپاشی بیرون کشید.»



یک هفته پس از بیانیه ۱۷ فرخ نگهدار

پس از یک هفته با اطمینان بیشتر می توان گفت: بیانیه، که از پی تظاهرات خوفناک عاشورا و راه پیمایی های رنگ و رmq باخته ی روز چهارشنبه در تهران انتشار یافت، جو التهاب را شکست و فضا را به سمت جستجو برای راه حل سیاسی چرخاند.

بیانیه دلهره فعالان را کمتر، امید آنان بیشتر، تاکتیک رعب افکنی را خنثی و چشم انداز "فروپاشی" یا "براه افتادن حمام خون" را از پیش چشم فعالان دور تر برد. به لحاظ انتخاب لحظه بیانیه بسیار به هنگام بود.

بیانیه سطح مطالبات و نیز لحن بیان را چنان برگزید که تناسب قدرت میان معترضان و حکومتیان را بر هم زند و راه داخل آنها را فراهم سازد. بیانیه در دستیابی به این هدف موفق بود. زیرا:

در میان معترضان یک صدایی و اعتماد بیشتر تولید کرد و در میان حاکمان تشنت و دو صدایی بیشتر. شواهد این مدعا:

- در جبهه معترضان: تقریباً تمام گرایش ها واکنش مثبت داشته اند. اعتراض و مقابله اصلاً وجود نداشته است؛ چه در داخل کشور و چه در خارج. دهها اطلاعیه صادر شده، همه همسو و در حمایت

- در جبهه حاکمان: هیچ واکنش هماهنگ تولید نکرد و ناهماهنگی بیشتر تولید کرد. نمونه ها: پیشنهاد رضایی و دفاع لاریجانی از او و خشم دولتیان از این دو، جلسه غیر علنی مجلس، روح استعفاء نامه ی روح الله حسینیان، سر نوشت مرتضوی، مصاحبه تلویزیونی مطهری، و از همه مهم تر بی طرفی (بی تصمیعی) و سکوت و عدم مداخله علنی رهبر (در زمینه کشاکش های فرآینده ی میان حاکمان پیرامون نوع برخورد با موسوی و کروبی و با مردم).

بیانیه اعتماد سیاسی فعالان به موسوی را بیشتر و جایگاه او را در میان مردم مستحکم تر کرد. بیانیه حکومتیان را یک گام به طرف پذیرش و بی متابیه "صدای طرف مقابل" نزدیک تر کرد. به لحاظ محتوای سیاسی بیانیه ۱۷ بسیار دقیق بود.

نگاه بیانیه هفدهم نگاهی است که تحول بینادین در بطن جامعه و ضروریات ناشی از آن را درک می کند و مورد توجه قرار می دهد. روح حاکم بر بیانیه تلاشی است برای آشتی دادن جمهوری اسلامی ایران با این تحولات و مطالبات ناشی از آن. بیانیه در عین حال به حاکمان کنونی هشدار می دهد که امتناع از بدین تحول عمیق در ارکان جامعه بی راهه ایست در سمت دامن زند به ستیز گور و بی فرجام با مردم و با سر نوشت کشور.

داریم به نقطه ای میرسیم که بخش مهمی از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران حس می کند ریسک حمله به مردم و حذف معترضان، تازه اگر ممکن شود، برای بقای حکومت و انسجام آن خطراتی بسیار جدی تر از عواقب تحمل آنان به همراه دارد. در حکومت هر روز کسان بیشتری می فهمند که سیاست حذف سرکوب تنش میان دولت و ملت را به سوی انفجار می برد و کسان بیشتری امید خود را به متحد کردن حکومت حول سیاست سرکوب بی امان از دست می دهند. روح حاکم بر استعفاء نامه حسینیان حقایق بزرگ در باره وضع عمق تلاطم های درون حاکمیت در بر دارد. او نشان می دهد که بخش عمده ای از "گارد قدیمی" ولایت مداران هم اکنون قانع شده اند که سرکوب جریان اصلاحات مقدمه سرکوب خود ایشان و نشانه شدن بر صندلی اتهام نفاق و جاسوسی است. طلیف های معتدل تر اصول گرایان از انتخابات تا همین اواخر رفع مشکلات را در گرو مرکزگی کروبی و موسوی با جنبش دموکراتیک و رد حمایت اقشار مدرن می دیدند. وقایع اخیر، و روش موسوی و کروبی آنان را متقاعد کرده است که چنین بازگشتی غیرممکن است.

مرز بین خودی و غیر خودی را قدرت زمانه شکسته و احیای آن نیز از عهده هیچ کس ساخته نیست. آنها دریافته اند که حذف موسوی یعنی اعلان ستیز با نیمی از ایران، نیمه قدرت مندتر ایران. وضع تهران و شهرهای بزرگ آنان را قانع کرده است که موسوی صاحب آن بخش از جمهوری اسلامی ایران است که حمایت نیمه مدرن تر و توانمند تر جامعه را با خود دارد.

ایستادگی کروبی و موسوی و حمایت قدرتمند مردم در شهرهای بزرگ بخشی از حکومت را قانع کرده است که زمان جدا کردن آنان از پایگاه اجتماعی - حتی به زور داغ و درفش - با هدف باز سازی مرزهای قدیمی حول جمهوری اسلامی فکری غیر واقعی است. رهبری فعلی جمهوری اسلامی ایران دیگر عملاً رهبری تمام جمهوری اسلامی ایران نیست و ناراضیان از این رهبری حمایت قطعی و بسیار فعال بخش عمده ای از مردم کشور را پشت سر دارند.

رهبری جمهوری اسلامی ایران در برابر یک تصمیم سر نوشت ساز قرار گرفته است. یا باید به ریسک "رهبری دوگانه" و "حق موجودیت و رقابت جناح مخالف" در کادر نظام جمهوری اسلامی ایران تن بدهد یا به سوی تشدید ستیز با مردم، به سوی انفجاری کردن تنش در ارکان حکومت، و به سوی یک انزوا ی سنگین بین المللی، پیش رود و فروپاشی کل نظام را در چشم انداز قرار دهد. ابتکار موسوی چشم انداز اول و تصمیم گیری معقول و امکان دور برد کشور از غرقاب را ممکن تر کرد.

با این حال هنوز خیلی زود است که گفته شود: در جمهوری اسلامی ایران حق رقابت دموکراتیک بین شاخه های اصلی آن پذیرفته شده است. حتی اگر در سطح بالایی حکومتی چنین نگاهی احیاء شود، خطر ترور و تخریب کاملاً جدی است. حمله مسلحانه به اتومبیل کروبی و ترور خواهر زاده موسوی پیام هایی کاملاً هشدار دهنده بوده است. ما فقط ممکن است به آغاز یک روند پیچیده و پر تلاطم سیاسی نزدیک شده باشیم. هنوز تا تغییر تناسب قوا در حکومت و تصحیح ساختار آن، هنوز تا تدوین لوایح و به تصویب رساندن آنها، هنوز تا تغییری واقعی در وضع زندگی مردم و تحقق مطالبات بنیادین راهی بس پر فراز و نشیب با هزار پیچ در پیش است.

کوه یخ را داریم از هزار سو به تموز می کشیم. خیلی زودتر از آنچه که، سال پیش همین وقت ها، فکر می کردیم، این زمستان می شکند. همه جا جلوه ی امید "به تجلی است بر در و دیوار". بهار به چشم انداز میرسد. بهار را باور کنیم.

برای مادران عزادار

آسیه امینی

آنها پسر عمو بودند. نه فقط همخون، که همسن، همبازی، همسایه. خانه هایشان در یک حیاط واقع شده بود. روبرو و کنار هم. هر دو در یک سال کشته شدند. 61. یکی با طناب در زندان. دیگری با گلوله در جنگ.

از این جا به بعد، پسر عموهایی که تا آن روز شاید نهایت دعوایشان به بحث های سیاسی منتهی می شد و بعد از آن دوباره رفیق بودند و همسایه و خویش، شدند مبنای اختلاف جدی دو خانواده، دو برادر. اختلافی که تا امروز هم ادامه دارد؛ "خانواده شهید" و "خانواده اعدامی!" در این میان هردو پدر. مادر داغیده بودند. هر دو عزادار. اما یکی فرزندش را بر دستها بردند و در گل خواباندند. به آن دیگری گفتند: صدای شیونتان نباید از حیاط خانه شنیده شود! خواهران پسری که در زندان کشته شد بعد از 27 سال هنوز از بغض فرو خورده شان چنان می گویند که گویی همین دیروز به خاک سپرده شد. مادری را دیده اید که با مشت به سینه اش بکوبد که: حسرت یک گریه را هم به دلم گذاشتند...

بیش از سی مادر عزادار دستگیر شدند. اخبارشان و اسم هایشان را دنبال می کنم. از دوستانم می شنوم که از صبح دیروز خانواده ها و دوستانشان در مقابل بازداشتگاه وزرا جمع شده اند. شنیده ام که شعارهایی در حمایت از آنها سر داده اند که باعث واکنش و عصبانیت زندانیان شده است. شنیده ام که چند تن از آنها راهی بیمارستان شده اند. فشار خون، دیابت، بیماری های ناشی از بالا رفتن سن و... اسم هایشان را مرور می کنم (برخی اسم ها به دلیل ناخوانا بودن خط دقیق نبود)

زهره عطار، معصومه عطار، مریم حسین قلیزاده، انسیه بخشای، فرشته هادلی، فاطمه فراهانی، فاطمه رستگار، حکیمه شکری، کبری نجف پور، طوبی دارالشفا، طاهره اخشای، منیژه طاهری، زهره افروز، زری نوجوان، ثریا جعفری، لیلا سیف الهی، فاطمه صالحی، منصوره بهکیش، نصرت خاکی، صدیقه شکری، عشرت خیرکیش، ژیلما مهدویان، زیبا شکور صدیقی، محترم کارآمد، فریده صحرايي، ملیحه صحرايي، خانم ایزدی، رقیه... بریزی، اکرم نقای...، فریده (فامیل نامفهوم) و فائزه (فامیل نامفهوم)

آخرین خبرها پاسی از شب گذشته از راه می رسد. 14 نفر آزاد شدند و 16 زن به اوین منتقل شدند. تعداد افراد و برخی از نام ها دقیق نیست. مثل همیشه اطلاعات ناکافی است.

عذاب وجدان بیهوده ترین حسی است که در این شرایط می تواند به تو دست دهد. خانواده ی دستگیر شدگان، برای مصاحبه تحت فشارند. همین مانده که تحت این همه فشار و اتهام و خشونت، به خاطر ابراز نگرانی برای خانواده هایشان در مصاحبه ها حکم محارب هم دریافت کنند!

و بالاخره می دانم که ساعت 4 بعد از ظهر، آنها را از بازداشتگاه وزرا با اتوبوس به دادگاه انقلاب می برند. پس از یک ساعت و نیم در سرما ماندن خانواده هایشان، دوباره به پلیس امنیت منتقل می شوند. حال دو مادر 70 ساله که دارای سابقه بیماری هستند، وخیم گزارش می شود. خانواده ها نگرانند و از قول پزشکان آنها ادامه بازداشت شان را خطرناک توصیف می کنند.

در نهایت مادران مسن تر و ده نفر دیگر آزاد می شوند. این ده نفر، فهیمه نوجوان، فاطمه فراهانی، محترم کارآمد کرمانی، منیژه طاهری، فرشته هادلی، حکیمه شکری، صدیقه شکری، زهره و منصوره عطار هستند. بقیه امشب مهمان منصوره شجاعی و نوشین عبادی و عالیله اقدام دوست و دیگرانند.

در این میان دوست خبرنگاری می پرسد: اینها مادر کدام شهیدند؟ یا کسی در آنها هست که فرزندش را در حوادث روزهای اخیر از دست داده باشد؟

جواب می دهم که این گروه از اساس برای این شکل گرفت تا همه مادران، برای همه فرزندان از دست شده، سوگواری کنند. این گروه از آنجا به میدان آمد که اتفاق تلخ سالهای شصت تکرار نشود. مادران و پدران عزادار، بغض صدایشان، به دمل حسرتی برای گفتن و گریستن تبدیل نشود. اینها همه مادر ندا و سهراب و اشکانند و همه یک خواسته دارند: پاسخگویی و مجازات عاملان. بنابراین با هر مادر عزایی که حرف بزنی او فرزندى از دست داده است.





WHO POPULAR VOTE FOR YOUR FAVORITE PEOPLE

"The most popular people of the world."

Home Today This week This month Add New Person About Contact Search



Sarah for 2012?

[Vote Here!](#)

Person Rankings



Total Vote: 51013

Today Vote: 22209

Born 29 September 1941

Khameh, Iran

Political party Independent

Spouse(s) Zahra Rahnavard

Alma mater National University of Tehran

Religion Official Islam

Navigation: [Iran](#) >> [Leaders & Politicians](#) >> [Mousavi](#)

Who Is Mousavi?

Mir-Hossein Mousavi Khamehni (Persian: میرحسین موسوی خنمی; MTI-Hoseya Mirhosay Khamehni; born 29 September 1941) is an Iranian reformist politician, painter and architect who served as the 11th and last Prime Minister of the Islamic Republic of Iran from 1981 to 1989. Mousavi is currently the president of the Iranian Academy of Art and was a candidate for the 2009 presidential election.



He was the last Prime Minister in Iran before the 1989 constitutional changes which removed the post of prime minister. Before that he was the Minister of Foreign Affairs. He is also a member of the Expediency Discernment Council and the High Council of Cultural Revolution. However, he has not participated in their meetings for years, which is interpreted by political analysts and commentators as a sign of his disapproval. In the early years of the revolution, Mousavi was the editor-in-chief of the official newspaper of the Islamic Republican Party, the Jam-e-Jomhuri (Islamic Republic) newspaper. In 2009 presidential election, Mousavi chose green as his campaign color, a color which has since become pervasive in Iran.

Information was taken from wikipedia and it has the same copyright protection, for details please look at wikipedia page of the person.

Country Ranking

1. Mousavi	51013
2. Ali Khamenei	8593
3. H. Ali Montazeri	6982
4. Mehdi Karubi	6025
5. Mohammad Khatami	3697
6. Gholi Mohammadi	906
7. M. Ahmadinejad	664
8. Mansour Behnia	410
9. M. Reza Pahlavi	384

[All Iran Leaders & Politicians >>](#)

Members

Mitglied dieser Website werden mit Google Friend Connect

Mitglieder (2876) [Details](#)

See find here! [Members](#)

World Ranking

1. Mousavi	51013
2. M.G. Ramachandran	38284
3. Chico Xavier	34162
4. Dinkho Perera Fra	21748
5. N. T. Rama Rao	18103
6. Duque de Caxias	8647
7. Ali Khamenei	8593
8. Rajarathna Reddy	6068
9. H. Ali Montazeri	6982

[All Leaders & Politicians >>](#)

برای تبدیل به چهره محبوب سیاسی

به موسوی رای بدهیم

سایت: <http://whopopular.com/Mousavi>

محبوب ترین چهره سیاسی را به رای گیری گذاشته است.

در این سایت نام مهندس میرحسین موسوی در ردیف دوم قرار دارد.

برای انتخاب مهندس موسوی بعنوان چهره محبوب سیاسی روی عکس او کلیک کنیم. در صفحه ای که باز می شود

به موسوی رای بدهیم.